

Analysis of the critical discourse of the mediatization of religion in the murals of the constitutional Era*

Samaneh Seraj

PH. D Student, Faculty of Art Research, Department of Art, Shahed University, Tehran, Iran.

samaneh.seraj@shahed.ac.ir

Khashayar ghazizadeh

Associate Professor, Department of Art, Shahed University, Tehran, Iran. (Corresponding author)

Email: ghazizadeh@shahed.ac.ir

Abstract

The Constitutional Revolution of Iran marked a pivotal era characterized by profound political, social, and cultural transformations. During this period, significant religious discourses emerged, particularly those rooted in Ashura-centric ideologies. The Shiite clergy played a central role in preserving and reinterpreting these discourses to adapt to shifting socio-political contexts. A notable development during this era was the transition from oral traditions to visual representation, particularly through wall murals, which reshaped public perceptions of religious and social values. In the late Qajar period, wall murals became a crucial medium for articulating and disseminating Shiite beliefs and religious narratives. These visual depictions were not merely artistic expressions but were deeply intertwined with the political dynamics of the time. For instance, the Islamic Unity discourse promoted by the Jangal Movement was conveyed not only through traditional print media, such as newspapers and manifestos, but also through wall murals. These murals functioned as sites for integrating diverse ideological frameworks and highlighted the interactions among various religious traditions. Notably, they showcased the increasing visibility of non-Shiite Islamic perspectives within predominantly Shiite Ashura narratives, thereby influencing both religious and political thought. Beyond their representational function, these murals symbolized ideological shifts and facilitated new modes of religious engagement. In northern regions like such as Gilan, as well as cultural hubs such as like Shiraz, Isfahan, and Kermanshah, the gradual integration of religious symbols across sectarian boundaries became evident. This phenomenon reflected broader global trends, such as globalization and the emergence of religious pluralism, which redefined religious and cultural identities during the Constitutional Revolution. **aims:** This study examines the transformative impact of wall murals on the mediatization of religion and the construction of individual and collective identities during this

* The present article is derived from the first author's doctoral dissertation entitled "**Discourse analysis of the interaction of religion, culture, and art in the murals of the constitutional period**" conducted under the supervision of the second author and with advisory support from the Faculty of Arts at Shahed University.

critical historical juncture. The study employs a descriptive-analytical **methodology** incorporating critical content analysis within a qualitative research paradigm. Data collection methods include photographic documentation, and advanced scanning technologies. The research concentrates on 20 religious-themed murals from the Constitutional Era, selected through purposive sampling based on their relevance. Data analysis adheres to Fairclough's three-dimensional framework for critical discourse analysis, highlighting historical, social, and cultural contexts. **The findings** reveal that these murals functioned as both social and ideological acts, embedding religious narratives within broader socio-political frameworks to shape public perceptions and promote societal cohesion. Despite the extensive scholarship on the Constitutional Revolution, the cultural and religious dimensions embodied in wall murals have remained underexplored. This research underscores the critical role of these murals as active agents in shaping religious consciousness and identity. By addressing the underexamined domain of mural-based religious mediatization, this study offers a nuanced understanding of how visual culture contributed to the negotiation of national identity and ideological coherence in early 20th-century Iran. This research provides fresh insights into the intersection of visual media, religion, and society, highlighting the role of murals in mediating cultural narratives and fostering ideological unity in a rapidly changing socio-political landscape. As such, it adds to the broader discourse on the interplay between media, religion, and identity in historical contexts, offering valuable perspectives for scholars in related fields.

Keywords: Critical Discourse Analysis, Mediatization of Religion, Murals, Constitutional Era, Norman Fairclough

فهرست منابع

تحلیل گفتمان انتقادی رسانه‌سازی دین در دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت*

سمانه سراج^۱

خشایار قاضی‌زاده^۲

چکیده

مشروطیت، آغازگر تحولی بود که تحت‌تأثیر رویدادهای جهانی محلی و سیاست‌های روسیه‌وانگلیس شکل گرفت. یکی از محورهای مهم شکل‌گیری هویت ملی نوین ایران، رسانه‌سازی دین بود که در دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت نمایان شد. گفتمان دینی در این دیوارنگاره‌ها با استفاده از زبان بصری خاص، به بازتولید ساختارهای نظام‌مند ساخت اجتماعی واقعیت پرداخت و به ایجاد یک ژانر گفتمانی منحصربه‌فرد کمک کرده است. از این منظر مسئله این است که ۱. چگونه فرآیندهای رسانه‌سازی با تأکید بر رسانه دیوارنگاره‌ها در حال تغییر ماهیت بازنمایی عمومی دین در جامعه دوران مشروطیت هستند؟ چگونه عناصر دینی در گفتمان دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت، از طریق ساختار گفتمان‌ها و تصاویر، موجب شکل‌گیری هویت‌های فردی و اجتماعی می‌شود؟ روش پژوهش توصیفی تحلیلی بر مبنای تحلیل محتوای انتقادی از نوع پژوهش‌های کیفی است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش، مشاهده و ابزار پویبگری نوین است. جامعه پژوهش مشتمل بر ۲۰ دیوارنگاره است که به شیوه هدفمند انتخاب شده است. منطق اجرایی در این پژوهش مبتنی بر تحلیل ارتباط میان بازنمایی‌های بصری دیوارنگاره‌ها و شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی و فردی بر اساس آراء سه‌وجهی نورمن فرکلاف است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رسانه‌سازی دین در دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت با تمرکز بر ساختارهای نظام‌مند و بازنمایی روایات دینی، نقش مهمی در انعکاس و تثبیت تعلقات اجتماعی و اعتقادی آن دوره داشته است. تحلیل دیوارنگاره‌ها به‌عنوان کنش‌های اجتماعی و ایدئولوژیک، نشان‌دهنده تعامل پیچیده میان دین، فرهنگ و سیاست در دوران مشروطیت ایران است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، رسانه‌سازی دین، دیوارنگاره، دوران مشروطیت، نورمن فرکلاف

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول، با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی تعامل دین، فرهنگ و هنر در دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت» می‌باشد که با راهنمایی نگارنده دوم در دانشکده هنر، دانشگاه شاهد ارائه شده است.

^۱ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. samaneh.seraj@shahed.ac.ir

^۲ دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. ghazizadeh@shahed.ac.ir

مقدمه

دوران مشروطیت یکی از دوره‌های تاریخی مهم ایران بود که با بازاندیشی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همراه شد. این دوره گفتمان‌های دینی تأثیرگذاری را در قالب نگرش عاشورایی به نمایش گذاشت. جریان‌های دینی به رهبری نهاد مرجعیت شیعه، هم‌راستا با شرایط سیاسی و اجتماعی آن زمان، نقشی کلیدی در تداوم و تحول گفتمان‌های دینی ایفا کردند. چرخش از رویکرد شفاهی دین مردمی به بازنمایی تصویری آن، به‌ویژه در قالب دیوارنگاره‌ها، تحول قابل توجهی در فهم دین ایجاد کرد و نگرش مردم نسبت به ارزش‌های دینی و اجتماعی را تحت تأثیر قرارداد. در این میان، گفتمان اتحاد اسلام که توسط نهضت جنگل در ایران تقویت می‌شد، از طریق رسانه‌های چاپی نظیر روزنامه و مرامنامه جنگل، همراه با دیوارنگاره‌ها، پیام‌های خاصی را منتقل کرد. رسانه دیوارنگاره‌ها به‌عنوان مکان‌هایی برای ترکیب و نمادسازی سیستم‌های اعتقادی، نه تنها موجب رسانه‌سازی فرهنگ و دین شیعیان را در اواخر قاجار شد، بلکه نشان‌دهنده تعامل میان تنوع‌های دینی نیز بودند. برساخت‌گرایی دین در مورد تغییرات اشکال دینی در دوران مشروطیت، حداقل از منظر تصویری، برافزایش دید تنوع موقعیت دینی به دنبال افزایش جهانی شدن متمرکز شده بود. حضور دیدگاه ادیانی غیر از اسلام شیعی در روایات تصویری عاشورایی که به‌طور تاریخی بر دیدگاه علماء شیعه جعفری‌مذهب استوار بود، اشکال جدیدی از درگیری سیاسی و دینی را ایجاد کرد و فرهنگ ملی و ارزش‌های دین شیعیان اواخر دوران قاجار را تحت تأثیر قرارداد که به‌طور انتخابی به‌عنوان یک هویت تمدنی پذیرفته شد. روند عمومی دیوارنگاری و به‌کارگیری اشکال دینی متناسب با فرقه‌های دینی در شهرهای ایران روندی آهسته اما مداوم داشت. در حالی که این تمایلات در شمال ایران چون گیلان بارزتر است، فرآیندهای مشابه به‌وضوح در کرمانشاه، شیراز، اصفهان دیده می‌شود. این وضعیت، افزایش «پیچیدگی دینی» را منجر می‌شود. هدف پژوهش پرداختن به درک فرآیندهای رسانه‌سازی دین، به‌ویژه در رسانه‌دیوارنگاره‌ها و تغییر ماهیت بازنمایی عمومی دین در جامعه دوران مشروطیت است. تمرکز بر دیوارنگاره‌ها به‌عنوان یکی از اشکال رسانه‌سازی دین، می‌تواند بازتابی از قدرت و کنترل بر بازنمایی دین باشد. از این منظر مسئله این است که ۱. چگونه فرآیندهای رسانه‌سازی با تأکید بر رسانه دیوارنگاره‌ها در حال تغییر ماهیت بازنمایی عمومی دین در جامعه دوران مشروطیت هستند؟ و چگونه عناصر دینی در گفتمان دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت، از طریق ساختار گفتمان‌ها و تصاویر، موجب شکل‌گیری هویت‌های فردی و اجتماعی می‌شود؟ علی‌رغم پژوهش‌های فراوان درباره دوران مشروطیت و تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی آن، نقش دیوارنگاره‌ها در رسانه‌سازی دین و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری هویت اجتماعی و دینی تا حدی نادیده گرفته شده است. بیشتر مطالعات تمرکز بر رویدادهای سیاسی اجتماعی داشته‌اند و کمتر به تعاملات فرهنگی و دینی در بافت دیوارنگاری پرداخته‌اند. بررسی دیوارنگاره‌ها می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی درباره نحوه بازنمایی دین و تأثیر آن بر جامعه ارائه دهد و نشان دهد که چگونه این رسانه‌ها به‌طور فعال در ایجاد و تثبیت هویت‌های فردی و اجتماعی نقش داشته‌اند.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی تحلیلی برمبنای تحلیل محتوای انتقادی از نوع پژوهش‌های کیفی است. ابزار گردآوری اطلاعات فیش، مشاهده و ابزار پویاشکری نوین است. جامعه پژوهش مشتمل بر ۲۰ دیوارنگاره با مضمون دینی مربوط به دوران مشروطیت است که به شیوه هدفمند (غیر احتمالی) انتخاب شده است تا به‌بهترین صورت پاسخ پرسش‌های پژوهش روشن گردد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات براساس تحلیل گفتمان انتقادی و براساس آراء سه‌وجهی فرکلاف صورت گرفته است.

پیشینه

تاکنون پژوهش‌های متعددی به بررسی ماهیت رسانه‌سازی دین پرداخته‌اند. مطالعات سیاست‌دینی نهضت اتحاد اسلام جنگل نیز محور پژوهش متعددی بوده است. در حال حاضر کمتر پژوهشی مستقل درباره نقش نهضت اتحاد اسلام جنگل در شکل‌دهی نظام دیوارنگاره‌ها و تأثیر رسانه‌سازی دین دیوارنگاره‌ها در هژمونیک‌شدن قدرت به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر مشروطیت با روش‌شناسی

فرکلاف صورت گرفته است. این پژوهش به دلیل ماهیت بینارشته‌ای، برای بررسی مسئله خود، از دوحوزه‌ی مختلف، داده گردآوری کرده‌است. دسته‌اول پژوهش‌های هم‌راستا در زمینه‌ی چارچوب نظری پژوهش و دسته‌دوم پژوهش مرتبط با مضمون سیاست‌دینی‌گفتمان نهضت اتحاداسلام جنگل هستند. برای نمونه: استیگ هژارورد (2011) در مقاله «**رسانه‌سازی دین: نظریه‌پردازی دین، رسانه و تغییر اجتماعی**» با تکیه بر پیشرفت‌های اخیر در نظریه رسانه‌سازی، چارچوبی نظری برای درک افزایش تعامل بین دین و رسانه ارائه می‌دهد. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که رسانه‌ها به‌عنوان منابع اطلاعاتی مهم درباره مسائل دینی معرفی شده‌اند و اطلاعات و تجربیات دینی بر اساس خواسته‌های ژانرهای رسانه‌ای شکل می‌گیرند. پژوهش پیش رو از چارچوب نظری این مقاله برای رسیدن به پاسخ کامل‌تر و دقیق‌تر در ابعاد دیوارنگاره‌ها، استفاده می‌کند. میثم عبداللهی (۱۳۹۲) در مقاله «**مرامنامه کمیته اتحاد اسلام و بازخوانی آرمان‌های اسلامی نهضت جنگل**»، به مرامنامه‌ای اشاره می‌کند که اخیراً در میان متونی که مربوط به دهه آخر قرن سیزدهم درباره گیلان بود یافت شده و اسناد و اطلاعاتی را نشان می‌دهد که به‌ویژه برای مشروطه و نهضت جنگل افقی نو را در پیش روی محققین باز می‌کند. این اسناد مربوط است به «مرامنامه و نظامنامه کمیته اتحاد اسلام» که در سال‌های میانی نهضت جنگل به‌صورت چاپ سنگی منتشر و در میان مردم پخش شد و هنوز آثاری از آن در میان گنجینه‌های خانوادگی مردمان کهن‌سال منطقه وجود دارد. پژوهش حاضر از داده‌های این مرامنامه در جهت تحلیل عناصر دیوارنگاره‌ها استفاده کرده است. مقاله «**تأثیر هیئت اتحاد اسلام بر تحولات سیاسی، فکری و نظامی جنبش جنگل**»، از عباس پناهی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که چگونه شکست‌های سیاسی و فکری مشروطه‌خواهان و تسلط روسیه و انگلستان منجر به پذیرش حمایت‌های خارجی و ایدئولوژی اتحاد اسلام توسط جنگلی‌ها شده است. باوجود پیوند جنگلی‌ها با ایدئولوژی اتحاد اسلام، کوچک خان اساس سیاست‌های خود را بر پایه استقلال ایران قرارداد؛ لیکن همکاری جنگلی‌ها با اتحاد اسلام را می‌توان تاکتیکی سیاسی از سوی آن‌ها دانست. پژوهش پیش رو داده‌های خود را بر پایه این سیاست دینی قرار داده است. در جهت تکمیل داده‌ها این مقاله مغتنم است.

تحلیل گفتمان انتقادی برمبنای مطالعه دین با تمرکز بر روش‌شناختی نورمن فرکلاف^۲

در جامعه‌شناسی انتقادی دین که گفتمان را جدی می‌گیرد، بر دونکته مهم تأکید می‌شود: اول، توجه به نقش ادیان در بازتولید و تغییر نابرابری و دوم توجه به رسانه‌سازی فرهنگ، فرآیندی که از طریق آن دانش روزمره ما به‌طور فزاینده‌ای توسط اشکال ارتباطات جمعی شکل می‌گیرد (Thompson, 1990: 12-18). شکل‌های مناسب برای درک دین عناصر محوری هستند. تحلیل گفتمان در علم جامعه‌شناسی دین به معنای نگاه به شیوه‌هایی است که دین، معنویت، اعتقاد و... در گفتمان ساخته می‌شوند (Hjelm, 2014: 857). تمرکز رویکرد انتقادی در چارچوب گفتمان، بررسی نقش دین در تغییر نابرابری‌ها است. هدف یک جامعه‌شناسی انتقادی واقعی از دین، بازگشت به اصول اولیه است (Davie, 2007: 124). هدف دومی که دارد در جهت تجزیه و تحلیل انتقادی است که این اثرات چگونه نابرابری را به‌طور بالقوه تغییر می‌دهند. تجزیه و تحلیل انتقادی به معنای بررسی چگونگی تأثیر ساختارهای مردمی و حکومتی بر موقعیت اجتماعی، افراد، جوامع و سنت‌های دینی است (Hjelm, 2014: 858). نورمن فرکلاف یکی از اندیشمندان در زمینه رویکرد گفتمان انتقادی است. مبانی نظری و مفاهیم روش‌شناختی CDA در دو ویژگی گفتمان مدار متبلور می‌شود: هم سازنده^۳ و هم کارکردی^۴ است. گفتمان سازنده است، زیرا صرفاً چیزها را «بیرون» منعکس یا بازنمایی نمی‌کند، بلکه آن‌ها را «ساخت» یا «تشکیل» می‌دهد. طبق نظر فرکلاف (۱۹۹۲)، سه چیز که در گفتمان ساخته می‌شوند عبارت‌اند از: هویت‌های اجتماعی^۵ یا «موقعیت موضوع»، روابط اجتماعی^۶ و سیستم‌های دانش و اعتقاد^۷. گفتمان ویژگی دومی دارد که ارتباط نزدیکی با مشاهده بارکرآدر مورد منافع بازیگران اجتماعی دارد. گفتمان علاوه بر سازنده بودن، کارکردی است (Fairclough, 1992: 132; Potter and Wetherell, 1987: 32-33). هر گفتمان به‌عنوان شکلی از کنش اجتماعی تلقی می‌شود که هم به بازتولید جامعه و هم به

تغییرات اجتماعی کمک می‌کند (Potter, 1996: 105). با اقتباس از سنت انتقادی علوم اجتماعی، CDA بر پویایی قدرت، دانش و ایدئولوژی که فرآیندهای گفتمانی را احاطه می‌کند، تمرکز می‌کند (Phillips and Hardy, 2002: 20). پیامدهای روش‌شناختی مفهوم انتقادی ایدئولوژی دو گونه است: اول، تمرکز بر این است که چگونه جنبه‌های مختلف استفاده از زبان به ساخت یک‌طرفه چیزها یا رویدادهایی کمک می‌کند که در خدمت منافع گروه‌های اجتماعی خاص هستند. علاوه بر این، برای CDA مهم است که آنچه را که گفته نشده است، مطالعه کند، یعنی آنچه را که ما بدیهی می‌دانیم. به عقیده فرکلاف، هرگونه ارجاع به «عقل سلیم»، ایدئولوژیک است (Fairclough, 1989: 84). از آنجا که عقل سلیم تصورات ما از زندگی روزمره را طبیعی می‌کند، مؤثرترین راه برای حفظ هژمونی است، یعنی تفسیری انحصاری از واقعیت. آشکارسازی ساختارهای واقعی واقعیت اجتماعی و جلب توجه به نابرابری مطمئناً در قلب CDA قرار دارد.

رسانه‌سازی دین

اصطلاح «رسانه‌سازی دین» به فرآیندی اشاره دارد که طی آن اعمال و باورهای دینی در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه ادغام می‌شوند. این فرآیند، از طریق بازنمایی مناسک و نمادهای دینی به‌ویژه واقعه عاشورا در دیوارنگاره‌های دینی دوران مشروطیت و نیز از طریق سخنرانی‌ها، موعظه‌ها و روضه‌خوانی‌های رهبران دینی، نقش مهمی در شکل‌دهی به نحوه انتشار و درک پیام‌های دینی توسط عموم داشته است. رسانه‌سازی فراتر از حوزه دین بوده و بیانگر فرآیند گسترده‌تری است که حوزه‌های مختلف اجتماعی با رسانه‌ها تعامل پیدا می‌کنند (Asp, 1990; Mazzoleni and Schulz, 1999; Baudrillard, 1981; Thompson, 1995). طبق باور هزارورد (۲۰۱۲)، رسانه‌ها مفیدتر از اشخاص برای اهداف خاص دین عمل می‌کنند و رسانه‌سازی بیانگر شرایط اجتماعی و فرهنگی جدیدی است که در آن رسانه‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند (Hjarvard, 2012a: 41-75). شایسته‌فر، ۱۳۸۶: ۲۰۰-۲۲۶؛ شایسته‌فر، خزایی و خزایی، ۱۳۹۱: ۵۳-۷۰؛ نشریه و عبدالکریمی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۲). پیش از مشروطیت، رسانه در خدمت بازتولید عناصر دینی و منافع سلطنت و مراجع دینی بود (نورانیان، دلبری و باغستانی کوزه‌گر، ۱۳۹۹: ۳۳۶-۳۵۵)؛ اما در دوران مشروطیت، رسانه‌ها به‌منابه نهادهای فرهنگی عمل کردند (Coffey, 2012; Hjarvard, 2012b). بازتولید دین بر دیوارنگاره‌ها در دوران مشروطیت برگرفته از حس تعلق دینی مردمی و تعهد به ارزش‌های دینی و ارادت به ائمه اطهار، پیامبران دین، تنها یک تجربه رسانه‌ای نبود، بلکه به‌منابه یک‌نهاد فرهنگی بود که مردم را آگاه کرد. به دلیل انواع تحولات مرتبط در دوران مشروطیت، از جمله رشد و توسعه افکار آزادیخواهی و مساوات‌طلبی در قالب جنبش مشروطه (علیزاده، ۱۳۸۶: ۱-۲۳)، اندیشه سیاسی اتحاد اسلام (قره‌داغی و شیخ‌نوری، ۱۳۹۰: ۷۳-۹۰)، ورود فناوری‌های رسانه‌ای جدید چاپ سنگی، عکاسی، سیستم حمل‌ونقل و فضای انقلابی، تحولات جدید معطوف به زندگی روزمره مردم تا ساختارهای کلی (احسان خواه، کاظمی راشد، زندیه و صدری، ۱۴۰۲: ۲۱-۳۹)، رسانه‌ها به تدریج از سایر نهادهای اجتماعی فاصله گرفت و مستقل‌تر شد. در مفهوم جامعه‌شناختی، رسانه به یک‌نهاد رسانه‌ای تبدیل شد (Hjarvard, 2012a: 41-75). دیوارنگاره‌ها در تعامل با نهادهای اجتماعی فرهنگی به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شدند و افراد را قادر ساختند تا در زمان مناسب تجمع شیعیان در اماکن دینی با روش‌های انعطاف‌پذیرتری چون هم‌صدا بودن برای اظهار همدردی با امام شیعیان با اتحادبصری، تعامل داشته باشند. رسانه دیوارنگاره‌ها هم به‌عنوان نهادی نسبتاً مستقل در جامعه «بیرون» یا فضای کلان حضور پیدا کرد و هم به‌عنوان منبعی برای تعامل ارتباطی در دسترس مردم در نظر گرفته شد. رسانه‌سازی دین مستلزم «عملکرد بازیگران دینی و حیات و اهمیت بیان‌های جدید دین» است (Lövheim and Axner, 2011a: 57-74). استفاده از اشکال مختلف رسانه‌های تعاملی مانند دیوارنگاره‌ها و کتب چاپ سنگی توسط نهادها و افراد در دوران مشروطیت، نیازمند انطباق با هنجارها و ویژگی‌های خاص این رسانه‌ها بود. کارگزاران جامعه، اعم از دینی و حکومتی، برای برقراری ارتباط با مردم از بصری‌سازی و قوانین تعیین‌شده این رسانه‌ها در انتخاب موضوعات مناسب مانند روایت عاشورا، استفاده کردند. این رویکرد باعث تغییر در شیوه‌های تعامل نهادهای مختلف در

داخل کشور و با جهان خارج شد. پژوهش حاضر، رسانه‌سازی را به‌عنوان کنش یا عمل مشخص ارتباط از طریق یک رسانه در نظر خواهد گرفت؛ بنابراین، در مقایسه با ارتباطات غیرواسطه‌ای (حضوری رودرو در حضور مشترک)، ارتباط واسطه‌ای ارتباطات انسانی را در زمان، مکان و شیوه‌های بیان گسترش می‌دهد. با توجه به امکانات و محدودیت‌های خاص دیوارنگاره‌ها، رسانه‌سازی شکل و محتوای پیام را در مواردی تغییر داد و بر رابطه بین فرستنده و گیرنده تأثیر گذاشت. با گسترش متون دینی چون مرانامه، نظامنامه اتحاد اسلام گیلان لازمه ارتباطات سخت رسیدن به مراجع نهادی برطرف شد و به رسانه در دسترس رجوع می‌شد همان‌طور که رسانه دیوارنگاره‌ها با زیسته روزمره مردمی تعامل پیدا کرد.

دیوارنگاره‌های دینی دوران مشروطیت

دیوارنگاری اماکن دینی ابتدا به‌صورت شمایل‌نگاری دینی پس از رسمی شدن مذهب تشیع در زمان شاه اسماعیل در بین مردم ایران رواج یافت و به‌صورت تصویرنگاری کتاب و پرده‌های درویشی نمایان شد. با سپری شدن زمان نقاشی‌ها مستقیم بر روی دیوارها تصویر شدند و از دوره صفوی به بعد سنت نقاشی روی دیوار در میان تصویرگران عامه فراگیر شد. شمایل‌نگاران تصاویر معصومان و وقایع شهادت امام حسین (ع) و یاران و اهل بیتش در کربلا را بدون واسطه روی دیوارهای بناهای دینی چون زیارتگاه‌ها نقاشی کردند.

سپس در عصر قاجار دیوارنگاری دینی فراگیر شد و اوج گرفت. هنر نقاشی از انحصار دربار خارج شده و توسط نقاشان غیر درباری در میان توده مردم با عقاید آن‌ها گسترش یافت (نوروزی و دادور، ۱۳۹۷: ۱۰۳-۸۶). در واقع، مناسک و مراسم و بازخوردهای مختلف دیگر عاشورایی بوده است که شیعیان را در کنار یکدیگر جمع می‌کرده است؛ جامعه شیعی را تشکیل می‌داده و همچنین اجتماعات شیعی را سازمان‌دهی می‌کرده است. در دوره‌هایی که شیعه حکومت و ملت خاصی نداشته و معمولاً در اقلیت و تحت فشار بوده است، این مناسک و مراسم باعث می‌شده که شیعیان در کنار یکدیگر جمع شده و قوت خودشان را حفظ کنند (شهرستانی، ۱۳۹۸: ۱۱۱-۱۲۸).

سطح توصیف: تحلیل روابط معنایی بین عناصر به لحاظ ایدئولوژیک

تحلیل متن به تحلیلگر اجازه می‌دهد تا به رابطه، تنش و جابه‌جایی بین نظم‌گفتمان و شبکه‌سازی مرتبط با شیوه‌های اجتماعی دسترسی پیدا کند (Richardson: 2007: 147; Fairclough, 1989: 45; Faiclough, 2002: 163-166; دربستر، CDA تحلیل روایت توجه به ترتیبی است که رویدادها در گفتمان ارائه می‌شوند (Jasinski: 2001: 390). تفاوت مهمی بین محتوای روایی (تسلسل وقایع در زمان وقوع) و شکل روایی (توالی وقایع ارائه‌شده در گفتمان) وجود دارد. رابطه بین این دو راه‌های جالبی را برای تحقیق درباره چگونگی ساخت ادعاهای حقیقت روایت باز می‌کند (Berger and Luckmann, 1967: 95). عاشورا، به‌مثابه یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ شیعه در دوران مشروطه، مورد توجه دیوارنگاران بوده است. یکی از جنبه‌های جهان‌بینی و نگرش دیوارنگار که در این روایات دیواری از لحاظ کاربرد در سطح عناصر، روابط هم‌نشینی و هم‌آیی مؤلفه‌ها، اسم‌سازی و مشارکین نمود دارد، توجه به دشمن خارجی (امان‌نامه در دست فرد عرب) و انسان‌های خودفروخته (ساربان) است که به‌عنوان تضاد معنایی در این دیوارنگاری‌ها از شمال تا جنوب برجسته شده است (تصویر ۱ تا ۵). ورود استعمارگران روسی به گیلان و قتل و کشتار مردم توسط آنان و غارت اموال آن‌ها، همچنین موضوع خودفروختگان وطن‌فروشی که همه تلاش و کوشششان خدمت به بیگانگان است (ساربان)، در این دیوارنگاره‌ها مورد توجه قرار گرفته است. دیوارنگار در مقابل دشمنان خارجی (سرخ پوشان روسی (تصویر ۶)) و خودفروختگان وطن‌فروش (ساربان)، انسان‌های میهن‌دوستی (درویش) و پیامبران (تصویر ۷) و جنیان و فرشتگان را قرار داده است که نماد ارزش‌های دینی مردمی هستند. این انتخاب، نگاه ایدئولوژیک دیوارنگار را به هویت دینی مردم نشان می‌دهد که یکی از درون‌مایه‌های این دیوارنگاره‌ها است. در دیوارنگاره‌ها «درویش» نماد اتحاد اسلام است. درویشان به‌عنوان نماد مقاومت و حمایت از استقلال ایران به تصویر کشیده شده‌اند. یکی از شعارهای نهضت اتحاد اسلام جنگل، استقلال ایران بود که در مرانامه ایشان وجود دارد. دیوارنگاران در این تصاویر با

به‌کارگیری برخی از اصطلاحات و توجه به فرهنگ عرب و ایرانی، شخصیت‌های دینی و قهرمانان مردمی به‌گونه‌ای سعی در همراه کردن و هم‌آیی هویت اسلامی و ایرانی در دیوارنگاره‌ها را دارند (تصویر ۳ و ۶). مرانامه‌ها بیانگر آرمان و اهداف گروه‌های سیاسی و مرزبندی‌هایشان با جریان‌های سیاسی اجتماعی است. این مرانامه در قالب امان‌نامه (تصویر ۱ و ۳) به تصویر درآمده است. غرض این نهضت تشکیل حکومت مردمی بر پایه شعائر دینی و احکام و مقدسات دین مقدس اسلام است. توجه به واژگان و ادبیات عاشورایی (اشعار عاشورایی) که متناسب با فضای شکل‌گیری دیوارنگاره‌ها و مردم ایران است و همچنین سعی در حفظ و پاسداری از فرهنگ محلی مردم ایران، نشان‌دهنده اصالت و قدمت فرهنگ ایرانی است. دیوارنگاران در این روایت‌ها از سه ابزار مهم روایی چون به تصویر کشیدن توصیفات، گفتگو و نشان دادن ترکیبات پیچیده استفاده کرده‌اند (عباسی، ۱۳۸۶: ۷۰-۷۳). کاربرد هم‌نشینی عناصر مرتبط با افعال ماضی (شتافتن زعفرجنی و ملک منصور؛ حضور یافتن پیغمبران سلف؛ گفتگوی درویش کابلی؛ طرد شدن ساربان؛ به میدان رفتن حضرت سیدالشهدا؛ آوردن امان‌نامه و...) و عناصر مرتبط با افعال مضارع (چهره روحانیون و بانی بنا و...) (تصویر ۱۳ تا ۱۶) جهت محسوس‌تر کردن روایت به‌جای زمان گذشته است و حس مشارکت مخاطب را در روایت تقویت کرده و شکاف میان زمان رخداد روایت را با زمان مخاطب می‌پوشاند (لازار، ۱۳۸۹: ۱۷۵). افعال لحظه‌ای افعالی‌اند که جریان یا امتداد عمل یا حالت کوتاه و لحظه‌ای را به‌صورت شروع نشان می‌دهند (شتافتن زعفرجنی و سپاهیان، ملک منصور و سپاهیان، حضور یافتن پیامبران برای یاری به امام حسین، گفتگو نمودن درویش کابلی، آوردن امان‌نامه، طرد شدن ساربان) و در مقابل، افعال تداومی (به میدان رفتن امام حسین، حضرت علی‌اکبر، حضرت علی‌اصغر، حضرت ابوالفضل، حضرت قاسم و...) افعالی‌اند که جریان عمل یا حالت را با تداوم بیان می‌کنند (احمدی‌گیوی، ۱۳۸۵: ۱۷). در واقع دیوارنگاران در دوران مشروطه، در این روایت با استفاده از این نوع افعال در روند سرعت و کندی روایت عاشورا در جزء به‌جزء آن تأثیر گذاشته‌اند. افعال لحظه‌ای سبب کندی روند داستان می‌شوند (عباسی، ۱۳۸۶: ۷۳-۷۰) دیوارنگار با در کنار هم قرار دادن افعال لحظه‌ای و تداومی، طول زمان روایت را با طول زمان واقعه هماهنگ کرده است (یوسفی‌غروی، ۱۳۸۰: ۲۵). مدت‌زمانی که دیوارنگار این حالت را با افعال تداومی به تصویر می‌کشد با مدت‌زمانی که این حالت نیاز به وقوع دارد یکسان است. کاربرد پرسامد عناصر مفرد دلالت‌مند است. عناصر مفرد عبارت‌اند از: حضور درویش کابلی به‌قصد یاری امام، وجود ساربان، حضور امام حسین به همراه حضرت علی‌اصغر به‌صورت تنها سوار بر اسب در نقطه طلایی کادر؛ اگر در متنی عناصر مفرد بیشتر از جمع باشد می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که ماجرا از طرف افراد محدودی حمایت می‌شود نه حمایت از طرف تعداد زیادی از افراد؛ به این صورت که یاران امام کم بودند. عناصر جمع حالتی از احترام و پرهیز از هرگونه تفرقه را در خود حمل می‌کند در حالی که یکی از معانی ضمنی عناصر مفرد دلالت ضمنی بر جدایی و تفرقه می‌کند. عناصر مفرد با محتوی و درون‌مایه روایت هم‌خوانی دارد چراکه روایت حول محورهایی چون تنهایی، خونریزی ناحق، جدال آزادی‌خواهی و زیاده‌طلبی، نابرابری عرب و عجم و... می‌چرخد و این مضمون‌ها حاکی از وجود یک فضای تفرقه‌برانگیز است (گیرو، ۱۳۸۰: ۴۷). بیان روایت دیوارنگاره‌ها از زاویه دید سوم شخص یا دانای کل است که به همه اتفاقات داستان و درونیات شخصیت‌های روایت، آگاهی و تسلط دارد. این بیان سبب شده حقیقت‌مانندی داستان، دوچندان شده و احساس صمیمیتی بین مخاطب و دیوارنگار و راوی شکل گیرد. در واقع یکی از دلالت‌های ضمنی زاویه دید دانای کل این است که دیوارنگار با این زاویه دید داستان را به شکل زنده نمایش می‌دهد و آن را برای محسوس‌تر کردن از زبان خود به پیش می‌برد. اگر به وجه افعال عناصر موجود در متن دیوارنگاره‌ها دقت کنیم درمی‌یابیم که وجه اخباری بسامد بیشتری در روایت دارد. در واقع وجه اخباری در هر عنصر وقوع عمل قطعی را می‌رساند (همان: ۱۷۶؛ احمدی‌گیوی، ۱۳۸۵: ۱۷) که این با تاریخی بودن روایت عاشورا سازگار است. هدف از کاربرد عناصر با وجه اخباری منتقل کردن پیام به مخاطب است. جنگلی‌ها به لحاظ تاریخی کاملاً خود را در موضع امام حسین (ع) قرار می‌دادند. دیوارنگاران از افعال معلوم استفاده کرده‌اند چراکه روایت عاشورا همان‌طور که از عنوان آن پیداست بین افراد خاصی شکل می‌گیرد و در واقع تمام گفتگوها و مکالمات بین افرادی است که از آن‌ها در روایت نام‌برده

شده است. در واقع فاعل‌های روایت به همراه کنششان به تصویر کشیده شده‌اند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۹۶-۸۱). وجود فاعل‌های روایت دیوارنگاره‌ها (امام حسین، حضرت علی‌اصغر، حضرت علی‌اکبر، حضرت ابوالفضل، حضرت قاسم و...) و پربسامد بودن افعال معلوم (مبارزه، استقامت و دفاع)، سبب شده اطمینانی از وجود شخصیت‌ها به مخاطب دست دهد و این روایت تاریخی حالت قطعیت و یقین پیدا کند چراکه فاعل‌ها در حال انجام فعل مرتبط با خودشان به تصویر کشیده شده‌اند. مشخص بودن فاعل، قدرت تصمیم‌گیری مخاطب را برای نتیجه‌گیری بیشتر می‌کند و مقدمات فهم متن را فراهم می‌آورد.

جدول ۱. جدول مفهومی برای تحلیل بلاغی کنش عناصر مفرد دیوارنگاره‌ها

کارکرد بلاغی افعال مفرد عناصر دیوارنگاره‌ها	عنصر مورد توجه
دلالت افعال مفرد بر معانی ضمنی فقدان فتوت و جوانمردی	درویش کابلی
دلالت افعال مفرد بر معانی ضمنی طمع	ساربان
دلالت افعال مفرد بر معانی ضمنی خطر	امان‌نامه شمر

برخلاف افعال معلوم، برخی افعال مجهول در دیوارنگاره‌ها (گفتگوی درویش کابلی، شتافتن زعفرجی و ملک منصور و سپاهیانسان به یاری امام، طرد شدن ساربان و...) که بر ساخته ذهن عامه مردم و جهان‌بینی ادیان متفاوت است از ساختار مجهول پیروی کرده‌اند (همان: ۱۲۴) و گویی هدف دیوارنگاران از آوردن افعال مجهول تنها القای نوعی پیام به قصد تأکید بر فاعل بوده که دیوارنگاران آن‌ها را به کار برده‌اند. دیوارنگاری‌ها به تکنیک بازگشت به گذشته (واقعه عاشورا)، روایت گذشته (درویش، ساربان، امان‌نامه) و استفاده از جریان سیال ذهن متکی است و حوادث تصویری مطابق با تسلسل و ترتیب رخداد هنگام وقوع روایت نمی‌شود. گاهی به روایت گذشته و گاهی نیز به روایت حاضر (چهره‌های دینی) می‌پردازد. در بسیاری از موارد این بازگشت به گذشته علت اتفاقات و اضطرابات و تشویش‌های زمان حاضر (مشروطه) بوده است. فعل منفی بر انجام نگرستن کار یا نداشتن حالت و یا اعمال منفی دلالت می‌کند (احمدی گیوی، ۱۳۸۵: ۷۱). افعال منفی موجود در دیوارنگاره‌ها عبارت‌اند از: یاری نشدن، نبود انسانی برای یاری و تأکید بر وجود غیر از انس؛ جنیان و ملائکه و پیامبران، تسلیم نسبت به قضا و قدر، از دست رفتن فرزندان و خانواده، وجود بلا یا و مصائبی بر انبیا سلف و اهل بیت و رویداد کربلا مصداق اتم ابتلا و امتحان، شهادت مظلومان. گفتمان اسلامی که در زمینه تمایلات و اعتقادات میرزا کوچک خان و اتحاد اسلام و مقاومت و الگوبرداری این مبارز آزادی‌خواه از سالار شهیدان حسین بن علی است، در دیوارنگاره‌ها نمود می‌یابد. این گفتمان ضد استبدادی نهضت، به واسطه حکومت مستبدانه شاهان قاجار و دوره مشروطه و مبارزات مردم آزادیخواه است. انگیزه‌های قیام امام توسط خودشان گفته شد (بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۲): ۱. افشای چهره واقعی بنی‌امیه (عَلَى الْإِسْلَامِ إِذْ بُلِيَّتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلَ يَزِيدٍ) فعل منفی: نبودن امیدی به بقای دین خدا (ابن‌اعثم، ۱۳۶۹: ۲۷): به صورت تصویر چهره امام حسین سر به زیر و تکیه بر نیزه (تصویر ۹) ۲. احیای سنت پیامبر (ص) (وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص) فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيَّتَتْ) فعل منفی: از بین رفتن سنت پیامبر (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۰): توجه به موقعیت اشرافی بارگاه یزید (تصویر ۱۰ سمت چپ) ۳. مبارزه با بدعت‌ها (وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَّتْ) فعل منفی: احیاء بدعت در دین و تبدیل آن به سلطنت استبدادی و موروثی (قدسی، آشتیانی، داودی، بهادری، مکارم‌شیرازی، امامی و ارسطو، ۱۳۹۲: ۲۵۰): تکیه افراد بر محور ثروت و فرزندان: وجود یزید جانشین پدرش و فرزندان ازرق شامی، برتری نداشتن بین عرب و عجم، سیاه‌وسفید، قریشی و غیر قریشی، زن و مرد ۴. عمل به حق و مبارزه با باطل (الْأَتْرُونَ إِلَى الْحَقِّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ إِلَى الْبَاطِلِ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرَّغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ حَقًّا حَقًّا) فعل منفی: به حق عمل و از باطل جلوگیری نکردن و دل کندن از دنیا و راغب به دیدار پروردگار بودن (طبری‌املی، ۱۳۸۰: ۴۰۴): به صورت مبارزه امام حسین با سپاهیان یزید (تصویر ۱۵ تا ۱۸). ۵. احیای حق (إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ كَتَبُوا إِلَيَّ يَسْأَلُونَنِي أَنْ أَقْدِمَ عَلَيْهِمْ لِمَا رَجَوْا مِنْ أَحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ) فعل منفی: نامه نوشتن اهل کوفه و یاری از امام به جهت زنده شدن نشانه‌های حق و در نهایت پیمان‌شکنی (دینوری، ۱۳۹۵: ۲۴۵):

جلوگیری از ورود امام حسین به کوفه (تصویر ۱۰) ۶. برپایی امر به معروف و نهی از منکر (وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى، أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ) فعل منفی: انحراف امت پیامبر و تلاش در جهت اصلاح آن (ابن اعثم، ۱۳۶۹: ۲۱).

سطح تفسیر: بافت موقعیتی، تمرین گفتمان

فرکلاف (۱۹۹۲) سطح تفسیر را بین متون و زمینه اجتماعی قرار می‌دهد که آن را «عمل گفتمانی» می‌نامد (Fairclough, 1992: 69; 84; Phillips and Jørgensen: 2002: 69; 84). طبق مطالعات ریچاردسون (۲۰۰۷)، هدف رسانه‌سازی دین قادر ساختن مخاطب برای درک بهتر جهان است (Richardson, 2007).

برآوردن این نیاز اطلاعاتی مستلزم «گزارش اقدامات و فعالیت‌های الگوهای دینی» است. در نتیجه فرهنگ بصری گفتمان روایت عاشوراء دیوارنگاره‌ها نمونه‌ای از موقعیت اجتماعی است که بسیار متعارف است و تأثیر قابل توجهی در آنچه می‌تواند منتقل کند و نحوه نمایش آن، در شکل دادن به دیدگاه‌های اجتماعی دارد. «منطق رسانه‌ای» برای توصیف تأثیر اجتماعی ارتباطات به‌عنوان راهی برای دیدن و تفسیر امور اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (Shweinsberg, Darcy & Cheng, 2017: 241-252). روایت دیوارنگاره‌ها شرایط اجتماعی و سیاسی دوران مشروطیت در شمال ایران، به‌ویژه گیلان، را بازتاب می‌دهد که به‌عنوان عرصه‌ای برای جنبش مسلحانه جنگل تحت رهبری میرزا کوچک‌خان شناخته می‌شود. این جنبش با ایدئولوژی اتحاد اسلام و ایران، مردم را به انقلاب علیه تزاری‌ها و سپس بریتانیا فراخواند و در برابر توسعه‌طلبی و رقابت روسیه و بریتانیا، نقش مهمی در تغییر وضعیت اجتماعی و سیاسی کشور ایفا کرد (کاظم‌بیگی، ۱۳۹۱: ۷۷-۱۳۳). اگرچه اتحاد اسلام ریشه در سیاست دفاعی دستگاه خلافت اهل سنت در عثمانی داشت، که از قرن نوزدهم و به‌ویژه در جنگ جهانی اول علیه متحدین به کار گرفته شده بود، تأیید آن از سوی مراجع تشیع در عتبات، تحت عنوان لزوم حفظ قلمرو اسلام از دست‌اندازی مسیحیان، راه را برای پذیرش اندیشه اتحاد اسلام همچون وظیفه‌ای شرعی برای شیعیان ایران نیز هموار کرد (Landau, 1995: 248-250; Kia, 1996: 30-52; Centinsaya, 2005: 561-574). از این‌رو، فاعلان و شرکت‌کنندگان اصلی دوران مشروطیت به‌ویژه در شمال ایران، آزادی‌خواهان، به‌ویژه طبقات و اقشار فرودست ولایت گیلان هستند که از وضع موجود ناراضی بودند که سریعاً از اصول عقیدتی و اقدامات انقلابی جنگلی‌ها استقبال کردند. از اوایل قرن سیزدهم هجری قمری، گیلان شاهد شورش ناراضیان به‌ویژه روستایی بود (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۵: ۹۱-۱۴۲). موقعیت اجتماعی روایت دیوارنگاره‌ها نیز بازتولید این شرایط است. در واقع نظریه اتحاد اسلام نیز یک اندیشه سیاسی دینی محسوب می‌شد که به دنبال همبستگی سیاسی به‌وجودآمده بود. این همبستگی در قالب عناصر دیوارنگاره‌ها به‌صورت ترکیبی از امام شیعیان و لشکریان جن و فرشتگان، درویش کابلی، نماینده یزیدیان به همراه امان‌نامه و ساربان نمود می‌یابد. چرخش از مباحث شفاهی دین مردمی به تصویری، درک دین را برای مدتی تحت تأثیر قرارداد (Griffiths, 2024; Horsfield, 2013: 37-53; Kittler, 2010). مفهوم‌سازی‌های سیاست‌دینی اتحاداسلام را که در باورهای نهضت اتحاداسلام جنگل قرار داشت با توسعه رسانه‌های چاپ در قالب مرامنامه و روزنامه جنگل و تأثیرش بر دیوارنگاره‌ها «اثرات» پیام‌ها را به چالش کشید. درک رسانه دیوارنگاره‌ها به‌عنوان «محل ترکیب و نمادسازی سیستم‌های اعتقادی معنادار فرهنگی نهضت جنگل» (Clark & Hoover, 1997: 15-36). و درک دین به‌عنوان معناسازی واقعیت در تجربه زندگی روزمره مردم، رسانه‌سازی دین را منجر شد (Hoover, 2002: 25-36). بر ساخت‌گرایی دین در مورد تغییرات اشکال دینی در دوران مشروطیت، حداقل از منظر تصویری، برافزایش دید تنوع

موقعیت دینی (هند، کابل، هرات، نجف اشرف، ایران، روسیه، بریتانیا و عثمانی و ...) به دنبال افزایش جهانی شدن متمرکز شده بود. حضور دیدگاه ادیانی غیر از اسلام شیعی در روایات عاشورایی که به طور تاریخی بر دیدگاه علماء شیعه جعفری مذهب استوار بود، اشکال جدیدی از درگیری سیاسی و دینی را ایجاد کرد (Hjelm, 2015). به ویژه، وجود ادیانی چون طرفداران قلندریه و اهل فتوت یکی از طریقت‌های صوفیه، در اویش مولویه، خاکساریه، زردشتیان، صوفیان نقشبندیه، سنی اشعری، شیعه امامیه ... فرهنگ ملی و ارزش‌های دین شیعیان اواخر دوران قاجار را تحت تأثیر قرارداد و به طور انتخابی به عنوان یک هویت تمدنی پذیرفته شد. در عین حال، روند عمومی دیوارنگاری و به کارگیری اشکال دینی متناسب با فرقه‌های دینی در شهرهای ایران روندی آهسته اما مداوم داشت. در حالی که این تمایلات در شمال ایران چون گیلان بارزتر است، فرآیندهای مشابه به وضوح در کرمانشاه، شیراز، اصفهان و ... وجود دارد. این وضعیت، افزایش «پیچیدگی دینی» را منجر می‌شود. از آنجایی که اشکال مختلف رسانه دیوارنگاره به «بخشی از بافت» فرهنگ و جامعه تبدیل شدند (Hepp, Hjarvard, & Lundby, 2010: 223-228)، چگونگی ارتباط موارد خاص از ارتباطات رسانه‌ای شده با نهادهای دینی اتحاد اسلام و تغییرات ساختاری در روایت عاشورا اهمیتی مضاعف به خود می‌گیرد. رسانه‌سازی دین در این بافت موقعیتی تغییرات در دین‌نگاری بر دیوارها، هم در سطح ساختاری، به معنای رابطه رسانه دیوارنگاره و سیاست دینی اتحاد اسلام به عنوان حوزه‌های نهادی در جامعه؛ هم در سطح تعامل اجتماعی که در نهاد اتحاد اسلام جنگل در اعمال افراد در محدوده مکان قرارگیری رسانه (اماکن دینی ناحیه کسما)، بیان می‌شود را شامل شد. رسانه دیوارنگاره‌ها به پایگاهی برای گردش نمادهای دینی در جامعه دوران مشروطیت تبدیل شد. از این منظر دین‌نگاری‌ها به عنوان «سایبان مقدس» (با الهام از برگر) برای نظم جامعه و یک نظام معناسازی در میان مردم تبدیل می‌شود (Lövhelm, 2011b, 153-166). اصطلاح «دین پیش‌پافتاده» در ارائه‌های اولیه هجارورد وجود دارد که به ترکیبی از عناصر ادیان سازمان‌یافته و باورهای عمومی منتشر شده از طریق رسانه‌ها اشاره دارد (Axelson, 2011: 183-201; Lied, 2012: 143-156). این مهم در گفتمان دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت به ویژه گیلان دیده می‌شود. آنچه در مورد گفتمان رسانه‌سازی دین پیش‌پافتاده در دیوارنگاره‌ها بازتابی شده است، تأثیر گزاره‌های ایدئولوژیک در موفقیت آنان در غلبه بر اعمال گفتمان روسیه و به صورت آخص مدرنیته است؛ در گفتمان نهضت اتحاد اسلام جنگل نبرد با حکومت قاجار و مدرنیته به گزاره ایدئولوژیک «جهاد» تعبیر شده است. تعامل ادیان در دیوارنگاره‌ها را باید نوعی هویت‌سازی فرهنگی از نوع مقاومت فرهنگی تلقی کرد که در پی آزادی (دلالت ضمنی بر اسارت امام و امان‌نامه (تصویر ۱ و ۳)، برابری (دلالت ضمنی بر وجود جنیان و فرشتگان (تصویر ۲)، درویش، ساربان)، رهایی و بازآفرینی عناصر فرهنگی ملی دانست (والرشتاین، ۱۳۷۷: ۲۸۴-۲۹۹).

سطح تفسیر: بافت بینامتنیت، تمرین گفتمان

دیوارنگاری عاشورایی در دوران مشروطیت ایران، با کارکرد اطلاع‌رسانی، راهنمایی و تأثیرگذاری بر مخاطبان، نقشی مهم در فرهنگ مردمی ایفا می‌کند و با پوشش هر دو روایت شیعه جعفری مذهب و بین‌المللی، مخاطبان جهانی دارد؛ باینکه این دیوارنگاره‌ها در ایران مستقر هستند، اما روایت شیعی منشأ عربی دارد و مرجعیت دینی دوران مشروطه از نجف به قم منتقل می‌شد (افشاری، ۱۳۸۲: ۷۹-۲۸۰). بینامتنیت‌های اولیه روایت عاشورا را در پنج منبع می‌توان محدود کرد: مقتل الحسین ابومخنف (م ۱۵۷)، طبقات الکبری ابن سعد (۲۳۰ م)، انساب الاشراف بلاذری (۲۷۹ م)، اخبار الطوال دینوری (۲۸۲ م) و الفتوح ابن اعثم (۳۱۴ م) (ضیایی، ۱۳۸۴: ۴). اصحاب سقیفه با تغییر ارزش‌های الهی جامعه نبوی و جایگزینی آن‌ها با ارزش‌های جاهلیت، موجب وقوع واقعه کربلا شدند (امینی، ۱۳۷۰: ۲۴۹). رژیم بنی‌امیه، باریشه در ماجرای سقیفه و هویت قبیله‌گرایانه، از اختلافات قومی و نزاع‌های عشیره‌ای بهره برد و این عوامل به شکل‌گیری تأثیرات تاریخی منجر شد (عقاد، ۱۴۰۲؛ شهیدی، ۱۳۶۶) (تصویر ۱۰). روایت عاشورا، به عنوان یک پدیده دینی، می‌تواند موضوع جامعه‌شناسی دین باشد و کارکردهایی چون انسجام‌بخشی، عدالت‌خواهی، اصلاح‌طلبی و تحلیل انگیزه‌های مخاطبان را داشته باشد (حیدری، ۱۳۷۷) که به بینامتنیت جامعه‌شناسی نیز اشاره دارد. در تفسیر حکومتی سیاسی، طرح

مسئله اندیشه تشکیل حکومت از چشم‌انداز سیاسی با مؤلفه «عصبيت»، نظریه مشهور ابن خلدون پیوند می‌خورد. ایشان عصبيت را شالوده اساسی حکومت و رمز و عامل پایداری دولت‌ها دانسته و در واقعه عاشورا این عصبيت در قالب سپاهیان مخالف امام به‌صورت منسجم و عصبيت پدیدنیامده دور امام به‌صورت پراکنده (تصویر ۴) قابل تبیین است (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵). در ارتباطات فرهنگی-سیاسی زردشتی، زرتشتیان در دوران قاجار و انقلاب مشروطیت نقش مهمی در تحولات سیاسی داشتند، با حمایت مالی از مشروطه‌خواهان و ارتباط با هم‌کیشان خود در هند و کنسول انگلیس (بامداد، ۱۳۸۴؛ کاتم، ۱۳۷۱)، همچنین با ایجاد تجارت‌خانه‌ها و مشارکت در امور عمرانی و حمایت از هنرمندان (تصویر ۱۸) به تقویت جایگاه خود در جامعه پرداختند (کرمانی، ۱۳۷۳؛ کوزنتسوا، ۱۳۵۸؛ تشکری بافقی، ۱۳۸۸: ۱-۲۴). در بینامتنیت مشروطیت، مراجع ثلاثه (محمدکاظم خراسانی، میرزا حسین خلیلی تهرانی، و عبدالله مازندرانی) به‌عنوان حامیان و رهبران اصلی نهضت مشروطه در ایران شناخته می‌شوند، که بیشترین تأثیر در سیاست مشروطیت از جانب آخوند خراسانی بود (اباذری، ۱۳۹۰: ۲۱). آخوند خراسانی، مرجع تقلید شیعه امامیه و صاحب کتاب «کفایة الاصول»، پس از درگذشت میرزای شیرازی مرجعیت عامه شیعه را بر عهده داشت و نوآور سنت پیاده‌روی از نجف برای زیارت امام حسین بود (نوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۵). وجود تصویر او در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک دلیلی بر اهمیت او در بینامتنیت شیعه دوازده‌امامی است (تصویر ۱۹). قلندریه در دوران مشروطیت با پایه‌گذاری آیین‌های عزاداری محرم نظیر جریده‌برداری و سقایی، نقشی مهم ایفا کردند؛ این تأثیر در فتوت‌نامه‌های قاجار و دیوارنگاره‌های امام‌زاده‌های گیلان مشهود است (افشاری، ۱۳۸۲: ۷۹-۲۸۰). دیوارنگاره‌ها، پیوند میان آیین‌های صوفیه و فتوت را در گرامیداشت عاشورا تجسم می‌کنند که بینامتنیت قلندریه و اهل فتوت یکی از طریقت‌های صوفیه را به وجود آورده است (تصویر ۱ تا ۹). در بینامتنیت خاکساریه، حسین پرتو بیضایی ضمن نقل قصه درویش کابلی و مواجهه وی با امام حسین (ع) در کربلا که خاکساریه، او را سرسلسله خود می‌دانند، به نقش سقاییان و سخنوران خاکساری در عزاداری محرم اشاره کرده است (پرتو بیضایی کاشانی، ۱۳۸۲: ۴۳-۴۴). در خلال جنگ جهانی اول، ولایت گیلان شاهد برآمدن جنبش مردمی و مسلحانه «اتحاد اسلام» جنگل بود که با جنبش اتحاد اسلام استانبول متحد شد؛ این اتحاد در قالب تصویر امان‌نامه بینامتنیت اتحاد اسلام را نمایان می‌کند (کاظم‌بیگی، ۱۳۸۵: ۹۱-۱۴۲). این جنبش بر مبنای عقاید اسلامی و مواضع ملی‌گرایانه، خواهان استقلال کشور بود. گرایشات صوفی‌مآبانه عبدالحمید و حمایت وی از شاهزاده قاجار شیخ‌الرئیس، مواجه فرهنگ مردمی گیلان دوران مشروطیت را با طریقت مولویه در بینامتنیت مولویه موجب شد. این مواجهه در قالب عنصر درویش دیوارنگاره نمود یافته است. در بینامتنیت صوفیانه نقشبندیه، تأثیر هنرمندان از کتاب روضه‌الشهدا کاشفی (کاشفی، ۱۲۴۹)، که با مرام صوفیانه نقشبندیه نگاشته شده، در تجسم تحمل درد و رنج اولیای خدا در نهضت عاشورا مشهود است (افندی اصفهانی، حسینی‌اشکوری و مرعشی، ۱۴۰۱: ۳۳۲-۳۳۵)؛ کاشفی این کتاب را به درخواست مرشد بالله، از اعیان هرات، در اواخر عمرش نوشت (کاشفی، ۱۳۵۰: ۱۴؛ جعفریان، ۱۳۸۱: ۱۶۷-۲۱۰). نقشبندی‌های دوران مشروطیت، در کرمانشاه و کردستان، در مقابل حملات روسیه و نهضت مشروطه فعال بودند (حسینی نقشبندی، ۱۳۸۱: ۴۰؛ سلطانی، ۱۳۸۰: ۱۵۱). در بینامتنیت شیعیان نجف اشرف، قصه «بریده‌بن وائل» (حر عاملی، بی‌تا: ۲۰۵) و جنایت او نسبت به بدن مطهر امام حسین (ع) در شب یازدهم محرم، به‌نقل از طریقی، از بزرگان علمای امامیه نجف، در کتاب «المنتخب فی جمع المراثی والخطب» آمده است؛ این کتاب مجموعه‌ای از روایات و مراثی حزن‌انگیز و گریه‌آور است (تصویر ۶ و ۸)، نه یک نگاه‌تاریخی درباره قیام عاشورا (محدث نوری، ۱۳۹۰: ۱۸۷؛ طریقی، ۱۳۷۸: ۹۰-۹۲). در اسلام، موجوداتی مانند فرشتگان و جن‌ها با ویژگی‌های مشخصی معرفی می‌شوند که برخی از آن‌ها ریشه در باورهای قبل از اسلام دارند. کتاب‌هایی مانند نورالعین یا المنتخب فی جمع المراثی والخطب از حضور فرشتگان و جن‌ها در عاشورا سخن می‌گویند، اما این متون خود ممکن است از مفاهیم پیشاسلامی تأثیر پذیرفته باشند (Daneshgar, M., & Saleh, 2016: 62-125). در کتاب «نورالعین فی مشهدالحسین» منسوب به ابواسحاق اسفراینی، از آمدن فرشتگان و جنیان مؤمن برای یاری امام حسین (ع) یاد شده است، اما

نویسنده سندی برای این گزارش‌ها ارائه نکرده و با سبک داستانی عامه‌پسند به نقل آن‌ها پرداخته است؛ اسفراینی یک سنی اشعری مسلک بوده و به اعتقاد صاحب بن عباد، آتش‌سوزانده (ابن عساکر و جنوبی، ۱۳۷۹: ۲۴۱؛ ذهبی، ۱۳۷۴: ۳۵۳؛ اسفراینی، ۱۳۹۷: ۲۵-۲۶). استفاده از اسطوره‌های جن و فرشته در دیوارنگاره‌ها با توجه به قداست پری پس از اسلام و در جایگاه فرشته قرار گرفتن و هم‌نشینی با جن، به بینامتنیت اسطوره‌ای منجر شده است؛ همچنین اشاره به واژه شهید در این دیوارنگاره‌ها، از بینامتنیت اسطوره‌ای ایران باستان و خدای شهیدشونده بین‌النهرین (دموزی) ریشه می‌گیرد که به رکود طبیعت و قطع آب و سیلاب منجر می‌شود (اکرامی‌فر، ۱۳۹۴: ۴۱-۶۵؛ ضیایی، ۱۳۸۴: ۴). در اسطوره‌های زرتشتی و اوستا، فرشتگان یا "امشاسپندان" نقش بسیار مهمی در جهان‌بینی دینی دارند. به‌ویژه ایزدانی مانند سپندارمذ و وهومنه به‌عنوان نیروهای حامی خیر در برابر اهریمن مطرح می‌شوند. تطبیق این نقش با حضور فرشتگان در عاشورا (به‌عنوان حامیان امام حسین علیه‌السلام) می‌تواند بخشی از بینامتنیت را نشان دهد (Boyd, 1980: 154-155). وجود نیزه در دستان امام حسین (ع) و تکیه ایشان به نیزه اشاره‌ای به تطبیق اسطوره‌شناختی مسیحی دارد. نیزه سرنوشت یا نیزه مقدس، که در اساطیر مسیحی برای سوراخ کردن پهلو ی عیسی مسیح هنگام مصلوب شدن استفاده شد، نمایانگر قدرت و سرنوشت است (Maclellan, 2011: 15; Smith & Piccard, 2005: 11). حضور این نیزه در دست امام حسین (ع) معنای ضمنی کنترل سرنوشت جهان را به تصویر می‌کشد. دوره مشروطیت به‌عنوان یک مرحله مهم در تاریخ ادبیات فارسی، نمایانگر آزاد شدن فضای شعر و ادبیات از محدودیت‌های قبلی درباری است. انقلاب مشروطه، با تحولات سیاسی و اجتماعی خود، ساختارهای فرهنگی و ادبی ایران را دگرگون کرد و شعر عاشورایی در این محیط تازه، دو بُعد حماسی و عرفانی را به خود گرفت. از جهت حماسی، شاعران مانند آثار ملک‌الشعرا، صبا و سروش اصفهانی صحنه‌های پرشور و حماسی عاشورا را به تصویر کشیدند. از طرف دیگر، قرائت‌های عرفانی نیز با آثاری چون آتشکده نیر تبریزی و زبده‌الاسرار صفی‌علیشاه، مفاهیم عمیق و ارزشی عاشورا را به تجربه‌ی دینی و عرفانی تبدیل کردند (کافی، ۱۳۸۸: ۴۴۶؛ عمان سامانی و وحدت، ۱۳۷۱: ۱۵۴؛ مجاهدی، ۱۳۷۹: ۴۹-۴۸). محتشم کاشانی، با استفاده از آیات شعری خود، به‌عنوان الهامی الهی برای شاعران و عالمان هنری از اهمیت و توجه فراوانی برخوردار بود که در مراسمات سوگواری سیدالشهدا به کار گرفته شد. او به‌واسطه ترکیب‌بند خود، جایگاهی ارزشمند در ادبیات عاشورایی به دست آورد که به وجود بینامتنیت ادبی در این حوزه منجر شد (محتشم کاشانی، ۱۳۸۵: ۵۳۳؛ کافی، ۱۳۸۸: ۱۱۰). حادثه‌ی عظیم عاشورا یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی اجتماعی تاریخ بشریت و یکی از رویدادهای بی‌نظیر در تداوم خط رسالت پیامبران الهی است که حضور پیامبران سلف در دیوارنگاره‌ها (تصویر ۱ و ۳)، را به بافت بینامتنیت رسالت پیامبران الهی نزدیک می‌کند (عمان سامانی و وحدت، ۱۳۷۱: ۱۲۵). امان‌نامه به‌عنوان یک مفهوم فرهنگی در فرهنگ عرب، نمایانگر اهمیت بخشیده شده به امان و مصونیت جانی افراد است، که از آن به‌عنوان جوار و پناه برخوردار بودند که بینامتنیت عرب را نشان می‌دهد. امان‌نامه‌ای که در دیوارنگاره‌ها به تصویر کشیده شده، مربوط به غلامی است که توسط شمر به دست امام حسین می‌رسد. امام در بیان خود اظهار می‌کند که امان الهی برتر از امان ابن زیاد است و این امر به تفکرات دینی و اخلاقی ایشان اشاره دارد «لَا حَاجَةَ لَنَا فِي أَمَانِكُمْ أَمَانٌ اللَّهُ خَيْرٌ مِنْ أَمَانِ ابْنِ سُمَيَّةَ» (ابن‌اثیر، ۱۳۴۴: ۵۵۸).

جدول ۲. مطالعه تحلیلی سطح تفسیر بافت‌بینامتنیت رسانه‌سازی دین در دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت

سطح تحلیل	بافت بینامتنیت
بینامتنیت اولیه	مقتل‌الحسین‌ابومخنف (م ۱۵۷)، طبقات‌الکبری‌ابن‌سعد (م ۲۳۰)، انساب‌الاشراف‌بلاذری (م ۲۷۹)، اخبار‌الطوال‌دینوری (م ۲۸۲) و الفتوح ابن‌اعثم (م ۳۱۴)
بینامتنیت جامعه‌شناسی	روایت عاشورا موجب انسجام‌بخشی به جامعه بشری، تلاش در جهت دستیابی به عدالت (به‌مثابه گوهر اجتماعی دین)، اصلاح‌طلبی، تحلیل زبان عامه در بازنمایی تصویری عزاداری و پرداختن به انگیزه شناسی مخاطب (دوستی، شفاعت، نجات دادن، مراسم اشک و اندوه گروهی، اعتراض، احتجاج و...)
بینامتنیت مشروطیت	مراجع ثلاث یا آیات ثلاث یا ارکان ثلاثه و حضورشان در دیوارنگاره

بینامتنیت شیعه دوازده‌امامی یا اثنی‌عشری	ملاحمد کاظم خراسانی (هروی) مرجع تقلید شیعه امامیه
بینامتنیت قلندریه و اهل فتوت یکی از طریقت‌های صوفیه	پایه‌گذار جریده‌برداری و سقایی از آیین‌های عزاداری در ایام محرم دوران مشروطیت
بینامتنیت خاکساریه	درویش کابلی سرسلسله خاکساریه
بینامتنیت اتحاداسلام	امان‌نامه
بینامتنیت طریقت مولویه	گرایشات صوفی‌مآبانه
بینامتنیت صوفیان نقشبندیه	تأثیر هنرمندان از کتاب روضه‌الشهدا کاشفی
بینامتنیت شیعیان نجف اشرف	قصه ساریان امام بنام «بریده‌بن‌وائل»
بینامتنیت شاعفی اشعری	آمدن گروهی از فرشتگان و نیز جنیان مؤمن نزد امام حسین (علیه‌السلام)
بینامتنیت اسطوره‌ای	هم‌نشینی میان جن و پری و اشاره به واژه شهید در ایران باستان و خدای شهیدشونده بین‌النهرین
بینامتنیت ادبی	شعر عاشورایی دیوارنگاره‌ها
بینامتنیت عرب	استفاده از واژگان عرب و شخصیت امن‌نامه به دست
بینامتنیت رسالت پیامبران	حضور پیامبران سلف

سطح تبیین؛ عمل اجتماعی

در سطح تبیین به بررسی بازتولید مفاهیم گفتمان رسانه‌سازی دین تولیدشده در برخی از شخصیت‌های روایت‌عاشوراء دیوارنگاره‌ها می‌پردازیم. میرزا کوچک‌خان جنگلی به بازتولید گفتمان اتحاداسلامی می‌پردازد که در ایران به‌ویژه گیلان تولیدشده است. او با تأیید نهضتی که هدفش تشکیل حکومت مردمی بر پایه شعائر دینی و احکام و مقدسات دین مقدس اسلام است؛ به توجیه ارتباطش با عثمانی جهت حمایتشان از نهضت اتحاداسلام‌جنگل، جهت کاستن فشار روسیه و انگلستان بر ایران می‌پردازد و با این توجیه که شکست‌های سیاسی فکری مشروطه‌خواهان آرمان‌گرا و ضد بیگانه از یک‌طرف و تسلط روزافزون روسیه و انگلستان از طرف دیگر ایران را تضعیف نموده، سعی در بهره‌برداری از حمایت روشنفکران آلمانی و عثمانی و همچنین با استفاده از ایدئولوژی اتحاد اسلام، از پشتوانه‌های اقتصادی فکری و نظامی این گروه‌ها دارد و به این ترتیب به بازتولید گفتمان رسانه‌سازی دینی می‌پردازد که بر پایه استقلال ایران باشد. این گفتمان در همبستگی مؤلفه‌های بصری دیوارنگاره‌های ایران به‌ویژه گیلان نمود می‌یابد. در گفتمان عاشورای حسینی دیوارنگاره‌ها، امام حسین از سر تسلیم و تعبد پای در راه نهاده و حرکت عاشورایی خود را آغاز و در این راه از اسارت اهل‌بیتش (تصویر ۱۱ و ۱۲) نیز سر برناتافته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۲)؛ در این گفتمان امام حسین چنان به تصویر درمی‌آید که در باور شیعیان می‌گنجد؛ یعنی بسان تندیس از کمال انسانی و چنین کسی «امام» خوانده می‌شود (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱)، مقام امامت نیز در موقعیت میرزا کوچک‌خان نمود می‌یابد. جنگلی‌ها به لحاظ تاریخی کاملاً خود را در موضع امام حسین (ع) قرار می‌دادند. میرزا قبل از شروع یکی از جنگ‌ها، در نطقی یاران را این‌گونه مخاطب قرار می‌دهد: «خداوند متعال به‌وسیله محمد (ص) به ما خبر داد که بسا عده قلیل به جمعیت کثیر غلبه کرده‌اند. ما از سرسلسله مجاهدین اسلام یعنی حضرت سیدالشهدا (ع) سرمشق می‌گیریم چه اقتدار یزید و دولت اموی کمتر از دولت تزاری (روسیه) و جمعیت آن سرور نیز بیشتر از این جمعیت (اشاره به یارانش) نبود گر چه در ظاهر حضرت امام حسین مغلوب شد ولی نام ولی و اسم گرامی آن بزرگوار قلوب آزادیخواهان را همیشه به نور خود منور داشته است» (خدری، ۱۴۰۰: ۲۹-۶۶). مطابق با دیدگاه جامعه‌شناسان دین‌گفتار انجام‌گرفته در دیوارنگاره‌ها، گفتمان عمل اجتماعی است (Wuthnow, 2011: 1-21; Hjelm, 2014: 855-872). شخصیت درویش دیوارنگاره‌ها به بازتولید گفتمان اتحاد شیعه و سنی می‌پردازد که در تحقق سیاست اتحاد اسلام عثمانی از جایگاه مهمی برخوردار بود. سلطان عبدالحمید دوم (۱۲۹۳-۱۳۲۷ ق/ ۱۸۷۶-۱۹۰۹ م) با

یاری مولویان به سلطنت رسید. در اویش مولویه عثمانی در عرصه شعر و موسیقی و فرهنگ و ادب خدمات بسیاری به حکومت عثمانی کردند و از جایگاه ممتازی در میان عثمانی‌ها برخوردار گشتند (احسان اوغلو، اتیل، اجاق، اوقای، تاکری قورو، حافظ، درمان، چیچیک‌درمان، صباغ، قوط و بوجه، ۱۳۹۷: ۸۹۷). طبق اسناد فراوان، سیاست حمایت عثمانی‌ها از عناصر ایرانی‌شیعی نظیر اعطای کمک‌های مالی دولتی به علمای دینی بانفوذ (روحانی بانفوذ سید عبدالله بهبهانی و درخواست کمکش از سلطان عثمانی) و هم‌راستا با سیاست پان‌اسلامیزم عبدالحمید به‌وضوح قابل‌رؤیت است (Çetinsaya, 2016: 353-409). سیدجمال‌الدین اسدآبادی در ارتباط با مراجع شیعه عراق نقش بارزی در بسط اندیشه اتحاد اسلام عبدالحمید ایفا کرد. مهم‌ترین شاهد این ارتباط همکاری بسیار نزدیکی بود که سید جمال در ماجرای تحریم تنباکو با میرزای شیرازی داشت (ملک‌زاده، ۱۳۵۸، ج ۱: ۹۷). عتبات عالیات مهم‌ترین کانون تجمع شیعیان در امپراتوری عثمانی بود که محل حضور ایرانیان و رهبران دینی آن‌ها همان مجتهدان بود که علیرغم حضور در خارج از مرزهای ایران در تحولات داخلی ایران نقش فعالی بر عهده داشتند (نقاش، ۱۹۹۸: ۳۲). اوج نگرش اتحاد اسلام، کاهش فشار دولت‌های اروپایی و ممانعت از حرکت تجزیه‌طلبانه (Özcan, 1997: 45) بود که در قالب تنهایی درویش (تصویر ۱ تا ۹) نمودی از عثمانی بازتاب یافته است و دست کمک به سمت امام همان اتحاد مدنظر است. ساریان در دیوارنگاره‌ها به بازتولید گفتمانی می‌پردازد که فتنه جمل را بازتاب می‌دهد. جنگ جمل، بحران و چالشی در تاریخ اسلامی محسوب می‌شود، زیرا باعث بروز مناقشات سیاسی اجتماعی در زمان وقوع خود شد و نیز دیدگاه‌های گوناگونی را در پی داشت (خادملو، ۱۳۸۶: ۵۰-۲۶). یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن انشقاق مذهبی در جامعه اسلامی برای نخستین بار بود؛ به‌این ترتیب که جامعه اسلامی به سه گروه شیعه علوی، شیعه عثمانیه و قاعدین تقسیم شد. «جنگ جمل» نخستین فتنه بر علیه امام علی (علیه‌السلام) پس از پذیرش خلافت اسلامی از سوی آن حضرت بود. این فتنه اشاره به جنایت‌های انگلیس و روسیه در طول تاریخ ۱۲ ساله بعد از مشروطه دارد (طبق گفته‌های میرزا). این دو کشور متجاوز، ایران را اشغال کرده و با کمک شهبه‌روشنفکران وابسته، شروع به چپاول ایران کردند (عبداللهی، ۱۳۹۲: ۳۱۹-۳۶۰). اشغال نظامی، زمینه‌ساز بستن قراردادهای استعماری، سوءاستفاده از منابع کشور و حتی استعمار را به دنبال داشت. البته نهضت فقط به فکر مقابله با اجانب نبود؛ بلکه می‌دانست که باید دست خائنین داخلی را نیز کوتاه کند. از طرف دیگر ساریان اشاره به خائن داخلی در ماجرای واقعه عاشورا دارد. شتر در دیوارنگاره‌ها نماد شتر عایشه به‌عنوان نماد مقاومت و پرچم ایستادگی نیروهای مخالف حضرت علی (ع) است. جنگ جمل در منابع شیعه به‌عنوان یکی از عمده‌ترین عوامل اختلافات شیعیان با سنی‌ها ذکر شده است. نامه آوردن عرب به سمت سیدالشهداء که بازتولید گفتمانی است که هدفش نشان دادن مرامنامه و نظامنامه مشروطیت جنگلی‌هاست. رهبران نهضت جنگل، شعار «اتحاد اسلام» را شعار اصلی جنبش خود انتخاب کردند. آن‌ها کمیته‌ای از مجتهدین و بزرگان تشکیل دادند و این کمیته مرامنامه‌ای منتشر کرد که در آن علل شکل‌گیری نهضت و اهداف آن مشخص شده بود. این مرامنامه به‌طور آشکار به جنبه‌های اسلام‌خواهی نهضت تأکید کرده بود. این اسناد مربوط است به «مرامنامه و نظامنامه کمیته اتحاد اسلام» که در مهر و موم‌های میانی نهضت جنگل به‌صورت چاپ سنگی منتشر شد و در میان مردم پخش گردید و هنوز آثاری از آن در میان گنجینه‌های خانوادگی مردمان کهن‌سال این منطقه وجود دارد. قدسی‌گرایی، در عین مادی‌نگری و حضور و ظهور جهان‌های متعدد در حوزه تفکر شیعی از دیگر اوصاف تشیع است. همان‌گونه که دیوارنگاره‌ها نشان می‌دهند در قلب واقعه عاشورا از نوع ایرانی آن و در عصر مشروطیت، فرهنگ مردمی با پدیده جهان‌های دینی روبرو می‌شوند. از این منظر مطالعات گاستون اسپینوزا^{۱۹} استادیار مطالعات دینی در کالج کلر مونت مکننا، نشان می‌دهد که چهره‌های مهم (مراجع و علمای وقت و همچنین عناصری چون جن و انس، درویش کابلی و...) یک ویژگی مقدس برای فرهنگ مردمی خود پیدا می‌کنند. حال آنکه آن‌ها از لحاظ سنت دینی اصلاً چهره مقدس دینی محسوب نمی‌شوند (Espinosa & García, 2020). اما این چهره‌های شاخص تبلور بخش ایده‌های دین مردمی برای فرهنگ مردمی مشروطیت هستند. آن‌ها مردمی شدن را نوید می‌دهند، مرزهای طبقاتی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را از میان برداشته‌اند؛

یار مظلومان، فریادرس بینوایان، کمک‌کننده و حامی مردم هستند. در مجموع این دیوارنگاره‌های دینی نشان‌دهنده خط سیرهای پرنرنگ پیوند سیاست‌های فرهنگ مردمی و دینی در دوران مشروطیت هستند. این‌ها نشان می‌دهند که چگونه دین و فرهنگ مردمی در جهان مدرن/ سنتی ایران یک نقطه تلاقی پیدا کرده‌اند. بنابراین، رسانه دیوارنگاره‌ها در مرکز یا بین فرهنگ مردمی قرار می‌گیرند و از طریق این رسانه، فرهنگ مردمی تجربیاتی را به اشتراک می‌گذارند که به دانش عمومی تبدیل می‌شود. بخش قابل‌توجهی از درگیری رسانه‌ای دیوارنگاره‌ها به این جنبه‌های جمعی رسانه و ارتباطات مربوط می‌شود. با توجه به استدلال جیمز کری (۱۹۸۹) علاوه بر انتقال اطلاعات، اهمیت رسانه دیوارنگاره‌ها در کارکردهای فرهنگی آن‌ها نهفته است، یعنی در توانایی آن‌ها برای ایجاد و حفظ جوامع و تنظیم رابطه و تعلق بین فرد و جامعه به‌عنوان یک کل (Carey, 1989: 173-191). همان‌طور که دایان و کاتز^{۲۱} (۱۹۹۴) در مطالعات خود نشان داده‌اند، رسانه دیوارنگاره‌ها مناسب جمعی را با یک کارکرد ادغام‌کننده بسیار اجتماعی انجام می‌دهند (Dayan and Katz, 1994). رسانه دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت نقش حیاتی در مناسک‌گذارمهم اجتماعی، مانند احترام به مقدسات و ارزش‌های دینی در میان ایرانیان، حضور گسترده مردم در مراسم عزاداری ماه محرم، تمایل به زیارت بقاع متبرکه، توسل به مناسک و اذکار مقدس و غیره داشته‌اند. روایات عاشورایی دیوارنگاره‌ها این امکان را برای کل جامعه (منطقه، ملت یا جهان) فراهم می‌کند تا شاهد و شرکت در مناسک یا واقعه باشند. چنین روایات رسانه‌ای پیوندهای عاطفی بین جامعه و اعضا را عمیق‌تر می‌کند و رویدادها را به بخشی از حافظه جمعی جامعه تبدیل می‌کند. رسانه دیوارنگاره‌ها همچنین برای سوگواری جمعی و مقابله با اندوه در موارد حوادث غم‌انگیز، مانند واقعه عاشورا، مهم می‌شوند. با توجه به مطالعات کیچ (۲۰۰۳)، رسانه دیوارنگاره، می‌تواند از واقعه عاشورا نه تنها اطلاعاتی را ارائه دهد، بلکه نوعی کمک روانی نیز با هدایت فرهنگ مردمی در مراحل متوالی غم و اندوه و ایجاد تاب‌آوری و بسته شدن در برابر یک فاجعه ملی باشد (Kitch, 2003: 213-224). درمان احساسات جمعی مختص فجایع بزرگ نیست. این یکی از ویژگی‌های تکرارشونده رسانه‌ها به‌ویژه دیوارنگاره‌ها است و ممکن است نه تنها مسئول هدایت عاطفی باشند، بلکه ممکن است در وهله اول ساخت عواطف جمعی را نیز تسهیل کنند. یک رویداد بزرگ مانند واقعه عاشورا توسط رسانه دیوارنگاره‌ها به یک رویداد بین‌المللی تبدیل شد و رسانه نسخ دینی چاپ‌سنگی‌ها هم واکنش‌های احساسی ایجاد کردند که نشانه‌ای از بیداری ایرانیان بود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل انتقادی به بررسی تغییر ماهیت بازنمایی مردمی دین در روایات برگرفته از واقعه عاشورا دیوارنگاره‌ها پرداخت. این تغییر در مورد چگونگی ساخت مرزهای دین برساخته مردمی در گفتمان رسانه‌سازی دیوارنگاره‌ها و پیامدهای این ساخت‌وسازها بود. در پاسخ به سؤال اول پژوهش تحت عنوان: **چگونه فرآیندهای رسانه‌سازی با تأکید بر رسانه دیوارنگاره‌ها در حال تغییر ماهیت بازنمایی عمومی دین در جامعه دوران مشروطیت هستند؟** مشخص شد که: درک دین دیوارنگاره‌ها با تمرکز بر باور، تخیل و تبیین، دین را به پدیده‌ای عمدتاً شناختی تبدیل می‌کند که با ساختن و حفظ یک جهان‌بینی خاص سروکار دارد. در دیوارنگاره‌ها، دین به‌مثابه یک «جهان‌نمادین» است، یعنی یک مجموعه از سنت که تعداد زیادی از تعاریف واقعیت را باهم ترکیب می‌کند و نظم نهادی را به‌عنوان یک کلیت نمادین به فرهنگ مردمی دوران مشروطه ارائه می‌دهد. جهان‌های نمادین رسانه دیوارنگاره به‌مثابه وسیله‌ای برای نگهداری از جهان کاربرد می‌یابند، جایی که نظم واقعیت روزمره دوران مشروطه با ارجاع به واقعیتی فراتر از تجربه روزمره مشروعیت می‌یابد. دین مردمی دیوارنگاره‌ها نظم اجتماعی را در مقیاس کیهانی به تصویر کشیده‌اند. درک دین به‌مثابه ریشه در نیاز و توانایی انسان برای تبیین و نظم دادن به جهان ترکیب بین ادیان قوی و ضعیف تأثیر رسانه‌سازی بر اشکال مختلف دین را نشان می‌دهد. این دسته‌بندی همچنین بر اساس اهمیت یک جهان‌بینی کل‌نگر، یکنواخت و انحصاری است که از طریق پیوندهای اجتماعی قوی و موقعیت مسلط در جامعه حمایت می‌شود تا دین قابل‌قبول و قدرتمند باشد. این دین برساخته

مردمی استقرار یک نظم مقدس فراگیر است که از طریق فعالیت‌های انسانی (گفتمان اتحاد اسلام جنگل و...)، استقرار می‌یابد که بتواند خود را در چهره همیشه حاضر هرج و مرج حفظ کند. این دین سند اتحاد مردمی است. قدرت دین دیوارنگاره‌ها، با کثرت بازنمایی‌ها مشخص می‌شود و با گزاره‌های بسیار ساختارمند درباره نظم موجود یا معنای زندگی اعتباری که در دستان مردم در حالی که در مقابل مرگ ایستاده‌اند، یا به عبارت دقیق‌تر، هنگامی که ناگزیر به سوی آن می‌روند، می‌گذارد. این فرآیندهای رسانه‌سازی بر دیوارنگاره‌ها به‌طور قابل توجهی ماهیت بازنمایی عمومی دین در جامعه دوران مشروطیت را تغییر داده‌اند. در این راستا، دیوارنگاره‌ها به‌عنوان محیط‌های فرهنگی بسیاری از کارکردهای اجتماعی ادیان نهادینه‌شده را به عهده گرفته و نه تنها راهنمایی اخلاقی و معنوی ارائه می‌دهند، بلکه احساس اجتماعی را نیز تقویت می‌کنند. رسانه‌های دیوارنگاره‌ها تصاویر و متون مربوط به جادو، معنویت و دین را منتشر کرده و دین را مطابق با ژانرهای فرهنگ عامه شکل داده‌اند. این فرآیند نشان‌دهنده واسطه شدن دین از طریق رسانه‌سازی است، که در آن تصورات و اعمال دینی به‌طور فزاینده‌ای به رسانه‌ها و دیوارنگاره‌ها وابسته شده‌اند. در نتیجه، دین نهادینه‌شده در جامعه مدرن قاجار نقش کمتری در ارتباطات ایفا کرده و باورهای دینی و عناصر دینی برساخته به کانون تخیلات دینی جامعه تبدیل شده‌اند. در پاسخ به سؤال دوم تحت عنوان: **چگونه عناصر دینی در گفتمان دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت، از طریق ساختار گفتمان‌ها و تصاویر، موجب شکل‌گیری هویت‌های فردی و اجتماعی می‌شود؟** به این نتیجه رسیدیم که: ساختار نظام‌مند فرآیند بازنمایی روایات عاشورایی بر دیوارنگاره‌های دوران مشروطیت تأکید بر ساخت و ساز دارد. بافت موقعیتی نهضت اتحاد اسلام جنگل دوران مشروطیت تأثیر دین را بر سایر موضوعات اجتماعی نشان می‌دهد که این مهم در روایات عاشورایی دیوارنگاره‌ها نمود یافته، تصاویری که تأثیر تعلق اجتماعی بر اعتقاد و عمل دینی را به‌مثابه ساختارهای قابل قبول بازنمایی می‌کند. منظور از ساختارهای قابل قبول، فراوانی گزاره‌های موجود در دیوارنگاره‌ها از شمال تا جنوب و حفظ یک جهان‌بینی و عمل دینی خاص است. ساخت اجتماعی واقعیت همان دانشی است که از طریق نقش گفتمان نهضت اتحاد اسلام جنگل در دیوارنگاره‌ها به‌عنوان کنش اجتماعی نمود یافته است و پویایی این فرآیندهای ساخت اجتماعی ریشه در مشکلات اجتماعی ایران دوران مشروطه دارد. ایدئولوژی گفتمان رسانه‌سازی دین دیوارنگاره‌ها به‌عنوان معنای در خدمت قدرت گفتمان جنگل با حمایت دولت عثمانی تعریف می‌شود. این ایدئولوژی به ساخت واقعیت (جهان فیزیکی، روابط اجتماعی، هویت‌های اجتماعی) اشاره دارد که در ابعاد مختلف اشکال/معانی دیوارنگاره‌ها ساخته شده‌اند. رویه‌های گفتمانی موجود در تصاویر (۱ تا ۲۰)، به تولید، بازتولید یا دگرگونی روابط عناصر مسلط در روایت عاشورا کمک می‌کند. از این رو، قدرت برساخت‌گرایی بخشی جدایی‌ناپذیر از تعاملاتی است که واقعیت اجتماعی را می‌سازد. جهان اجتماعی دیوارنگاره‌ها محصول تعاملات اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی متنوعی است که با مشارکت نهادها و کنشگران اجتماعی شکل گرفته است. این دیوارنگاره‌ها نه تنها بازتاب باورها و ارزش‌های مردم دوران خود هستند، بلکه موقعیت‌های نهادی، نظیر نهضت اتحاد اسلام جنگل، نقشی اساسی در شکل‌دهی به آن‌ها داشته‌اند. در این چارچوب، نهادهای دینی و سیاسی، از طریق مفاهیمی چون جهاد، مردم را به تولید آثار هنری و فرهنگی مانند دیوارنگاره‌ها تشویق کرده‌اند و این آثار به‌عنوان ابزاری برای تقویت هویت دینی، ملی، و فرهنگی جامعه عمل کرده‌اند. این تکرار فرآیند بازنمایی روایات برساخته می‌تواند نتیجه فرآیند دیالکتیکی جهان‌سازی باشد که ناشی از نیاز به نظم است. به‌عبارت‌دیگر، طبیعی شدن یک نظم اجتماعی خاص با حضور عناصر برساخته در دیوارنگاره‌ها از شمال تا جنوب به رسمیت شناختن مشروعیت از طریق فرهنگ مردمی است نه نهادی و این عناصر برساخته در سطح عقل سلیم به‌عنوان واقعیت اجتماعی تلقی شده‌اند. این فرآیند آگاهی مشترکی را بازتاب کرده که دائماً با دیگران به اشتراک گذاشته می‌شود. ابزار اصلی برای این اشتراک آگاهی، البته زبان دیوارنگاره‌ها است که شکل اساسی عینیت واقعیت روزمره و بنیادی‌ترین نهاد انسانی است که بر نمادگرایی تأکید دارد. گفتمان موجود نه تنها هویت اجتماعی بلکه روابط اجتماعی و سیستم‌های دانش و باور مردمی را ساخته است. با در نظر گرفتن «متن دیوارنگاره‌ها» به معنای وسیع، به‌عنوان مؤلفه‌ای از تعامل انسانی مصور شده، با جهت‌گیری کنشی

مواجه هستیم که قدرت را نه تنها در موقعیت اجتماعی دیوارنگاران، بلکه در انتخاب مؤلفه‌های بصری ایدئولوژیک که خود عنصری از کاربرد زبان بصری روایات است را نشان می‌دهد.

پی‌نوشت

^۱. جنبش جنگل (۱۳۰۰-۱۲۹۳خ/ ۱۹۲۰-۱۹۱۳م)، یکی از قیام‌های مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است که در مقطع حساسی از تاریخ ایران و جهان و اندکی پیش از شروع جنگ جهانی اول و زوال امپراتوری عثمانی شکل گرفت. در میانه راه، جنبش نیز شاهد وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه بود. ظهور و خیزش این جنبش بر پایه اندیشه و آرمان‌های برخی از مجاهدانی بود که با وجود استقرار مشروطیت در ایران، به جهت فشارهای روسیه، انگلستان و دیگر مدعیان داخلی و خارجی، دستاوردهای خود را در خطر تهدید دیده، لذا برای احیای استقلال ایران به دنبال کاهش نفوذ بیگانگان در ایران بودند.

^۲. Norman Fairclough

^۳. constitutive

^۴. functional

^۵. out there

^۶. constructs

^۷. constitutes

^۸. social identities

^۹. subject positions

^۱. social relationships 0

^۱. systems of knowledge and belief 1

^۱. Barker 2

^۱. common sense 3

^۱. Mediatization 4

^۱. media institution 5

^۱. Media logic 6

^۱. Sacred canopy 7

^۱. banal religion 8

^۱. G. Spinoza 9

^۲. James Carey 0

^۲. Dayan and Katz 1

منابع

احسان اوغلو، اکمل‌الدین؛ اتیل، استین؛ اجاق، احمدیاشار؛ اوقای، اورخان؛ تاکری‌قورو، جینوچن؛ حافظ، نعمت‌الله؛ درمان، اوغور؛ چیچیک‌درمان، فاطمه؛ صباغ، لیلیا؛ قوط، گونای و یوجه، نوری (۱۳۹۷)، دولت و جامعه در دوره عثمانی، جلد دوم، برگردان علی کاتبی، توفیق هاشم‌پور سبحانی، مهدی گلچین عارفی، حجت فخری، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: کتاب مرجع، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.

احسان خواه، شیرزاد؛ کاظمی راشد، منیره؛ زندیه، حسن و صدری، منیژه (۱۴۰۲)، تأثیر گسترش روابط خارجی بر تحولات فرهنگی کرمانشاهان در دوره قاجار (۱۲۸۵-۱۲۱۰. ش)، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ۱۳ (۳)، ۲۱-۳۹. (DOI) 10.22059/jis.2022.347264.1144

احمدی‌گیوی، حسن و انوری، حسن (۱۳۸۵)، دستور زبان فارسی ۲، تهران: فاطمی.

اخویان، مهدی (۱۳۹۶). بررسی دلایل بازتولید نقاشی‌دیواری‌های بقاع نقشین منطقه گیلان، *فصلنامه نگره*، ۱۲(42)، 71-81, doi: 10.22070/negareh.2017.531,

ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری (۱۳۴۴)، *الکامل فی التاریخ*، جلد دوم، بیروت: دارصادر.

ابن أعثم الکوفی، اَبی محمد أحمد (۱۳۶۹)، *الفتوح، الجزء الخامس، بیروت: دار الأضواء.*

ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، مقدمه، ترجمه محمدپروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (آموزش انقلاب اسلامی).

ابن عساکر، علی بن حسن و جنوبی، علی عاشور (۱۳۷۹)، *تاریخ دمشق الکبیر (ج ۱-۷۷)*، لبنان: دار إحياء التراث العربی.

اباذری، عبدالرحیم (۱۳۹۰)، *تبارنامه حوزه و روحانیت (از صدر اسلام تا پهلوی اول)*، تهران: سلمان فارسی.

اسفراینی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۷)، *منتخب نور العین فی مشهد الحسین (ع) به همراه کتاب قره‌العین فی اخذ ثارالحسین (ع) علامه عبدالله بن محمد، تهران: ارمان طوبی.*

افشاری، مهران (۱۳۸۲)، *فتوت‌نامه‌ها و رسایل خاکساربه (سی رساله)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

اکرامی فر، محمودرضا (۱۳۹۴)، اسطوره جن و پری در ادبیات شفاهی منظوم خراسان، *فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات*، ۱۶ (۳۰)، ۴۱-۶۵.
Dor: 20.1001.1.20088760.1394.16.30.2.9

امینی، علامه عبدالحسین (۱۳۷۰)، الغدیر، جلد چهارم، تألیف محمدامینی نجفی، گزینش و ترجمه سیدابراهیم سیدعلوی، تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ.

افندی اصفهانی، عبدالله بن عیسی بیگ، حسینی اشکوری، احمد و مرعشی، محمود (۱۴۰۱)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، جلد چهارم، تحقیق سید احمد حسینی.

بامداد، مهدی (۱۳۸۴)، شرح رجال ایران در قرون ۱۲، ۱۳ و ۱۴، خلاصه نگاری تحت نظر ذبیح‌الله علیزاده اشکوری، تهران: فردوس.

بهرامی، ناصر (۱۳۸۷)، هدف قیام امام حسین از زبان امام، فرهنگ کوثر، (۱)۷۳.

پرتو بیضایی کاشانی، حسین (۱۳۸۲)، *تاریخ ورزش باستانی (زورخانه)*، تهران: زوار.

پناهی، عباس (۱۳۹۹)، تأثیر هیئت اتحاد اسلام بر تحولات سیاسی، فکری و نظامی جنبش جنگل، *مطالعات تاریخی جنگ*، ۴ (۳)، ۱-۲۴.

doi: 10.52547/hsow.4.3.1

تشکری بافقی، علی اکبر (۱۳۸۸)، نهاد صرافی و کارکرد تجارخانه جمشیدیان در دوره قاجار، *مجله علمی و پژوهشی تاریخ ایران*، ۳ (۱)، ۱-۲۴.
جعفریان، رسول (۱۳۸۱)، تأملی در نهضت عاشورا، تهران: علم.

حیدری، ابراهیم (۱۳۷۷)، تراجید یاکربلا، سوسیولوجیا الخطاب الشیعی، قم: دارالکتب الاسلامی.

حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، اثبات الهداء بالنصوص والمعجزات (جلد ۵)، مصحح: علاءالدین اعلمی، تهران: موسسه الاعلمی المطبوعات.
حسینی نقشبندی، عبدالرحمان (۱۳۸۱)، سادات نقشبندی و جنبش‌های ملی کرد در گذر تاریخ، جلد اول، ترجمه محمد بانه‌ای، ارومیه: موسسه انتشاراتی حسینی اصل.

خدری، غلامحسین (۱۴۰۰)، تحلیلی بر گفتمان عاشورایی نهضت جنگل، *فصلنامه تاریخ روایی*، ۶ (۲۰-۲۱)، ۲۹-۶۶.

خادملو، مهدی رضا (۱۳۸۶)، بازنمایی دیدگاه‌های فرق درباره جنگ جمل، *نامه تاریخ پژوهان*، ۱۱ (۱)، ۲۶-۵۰.

دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۹۵)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.

ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۷۴)، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

رئوف، سولماز؛ نیستانی، جواد و موسوی کوهپیر، سیدمهدی (۱۳۹۸). *نمودهای تعزیه بر روی نقاشی‌های دیواری بقعه‌های گیلان بر اساس دیدگاه*

پانوفسکی، *جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۱۰ (۱)، ۹۵-۱۲۳. Doi: 10.30465/hcs.2019.4520

سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان: تاریخ تصوف در کرمانشاه، تهران: انتشارات سپا.

شایسته فر، مهناز (۱۳۸۶)، بررسی موضوعی نسخه خطی احسن‌الکبار، شاهکار نگارگری مذهبی دوره صفویه، *آینه میراث*، ۴۲ (۶)، ۲۰۰-۲۲۶.

SID. <https://sid.ir/paper/495756/fa>

شایسته فر، مهناز؛ خزایی، محمد و خزایی، رضوان (۱۳۹۱)، بررسی ویژگی‌های تصویری و مضمونی نسخه‌های خطی مصور دوره ایوبیان، *فصلنامه نگره*، ۷ (۲۳)، ۵۳-۷۰.

شهرستانی، حسین (۱۳۹۸)، بررسی توصیفی یک متن درباره امام حسین و قصه عاشورا، *فصلنامه فرهنگ زیارت*، ۱۰ (۳۹)، ۱۱۱-۱۲۸.

شهیدی، سیدجعفر (۱۳۶۶)، قیام حسین، تهران: فرهنگ اسلامی.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، معانی، تهران: میترا.

ضیایی، عبدالحمید (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی تحریفات عاشورا، تهران: هزاره ققنوس.

طبری‌آملی، محمدبن جریر (۱۳۸۰)، تاریخ‌نامه طبری، جلد پنجم، ترجمه محمدبن محمد بلعمی، تهران: سروش.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۸)، المنتخب فی جمع المراثی و الخطب‌المشتهر (الفخری)، قم: نشر شریف‌الرضی.

عباسی، سکینه (۱۳۸۶)، ماهیت زبان در تاریخ بیهقی بر اساس داستان افشین و بودلف، *مجله هنر*، ۷ (۱)، ۷۰-۷۳.

عبداللهی، میثم (۱۳۹۲)، مرامنامه کمیته اتحاد اسلام و بازخوانی آرمان‌های اسلامی نهضت جنگل، *فصلنامه ۱۵ خرداد*، ۱۱ (۳۷)، ۳۱۹-۳۶۰.

علیزاده، محمدعلی (۱۳۸۶)، نقش اقتصادی، سیاسی جامعه زرتشتیان ایران در تحولات دوران مشروطه تا پهلوی اول، پژوهش‌نامه تاریخ، ۲(۵)، ۲۳-۱.

عقاد، عباس محمود (۱۴۰۲)، ابوالشهداء الحسین، قاهره: مطبع سعد.

عمان سامانی، نورالله بن عبدالله و وحدت، طهماسب‌قلی بن رستم (۱۳۷۱)، گنجینه‌الأسرار عمان سامانی و غزلیات وحدت کرمانشاهی (گزیده آثار دو همزاد معنوی)، به کوشش محمدعلی مجاهدی، تهران: اسوه.

قدسی، احمد؛ آشتیانی، محمدرضا؛ داودی، سعید؛ بهادری، ابراهیم؛ مکارم‌شیرازی، ناصر؛ امامی، محمدجعفر و ارسطو، محمدجواد (۱۳۹۲)، پیام امام امیرالمومنین (ع): شرحی تازه و جامع بر نهج‌البلاغه، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

قره‌داغی، معصومه و شیخ‌نوری، محمدامیر (۱۳۹۰)، شیخ‌الرئیس قاجار و اتحاداسلام، فصلنامه مسکویه، ۵(۱۵)، ۷۳-۹۰.

SID. <https://sid.ir/paper/177608/fa>

کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: کویر.

کاشفی سبزواری، حسین واعظ (۱۳۵۰)، فتوت‌نامه سلطانی، به اهتمام محمدجعفر محبوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

کاشفی سبزواری، حسین واعظ (۱۳۴۹)، روضه‌الشهداء، تصحیح: حسن ذوالفقاری، تهران: نویداسلام.

کوزنتسوا، ن. آ (۱۳۵۸)، اوضاع سیاسی و اقتصادی اجتماعی ایران در پایان سده هجدهم تا نیمه نخست سده نوزدهم میلادی، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: بین‌الملل.

کاظم بیگی، محمدعلی (۱۳۹۱)، انقلاب و رقابت در سواحل جنوبی دریای مازندران: جنبش اتحاد اسلام گیلان (جنگل) و اتحاد ملی طبرستان (۱۳۳۶ ق/ ۱۹۱۸)، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ، ۲(۲)، ۷۷-۱۳۳.

کاظم بیگی، محمدعلی (۱۳۸۵)، مردم، علما و توسعه در عصر قاجاریه: راه گیلان، فرهنگ، ۶۰، ۹۱-۱۴۲.

کافی، غلامرضا (۱۳۸۸)، شرح منظومه ظهر، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۷۳)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیرکبیر.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، اصول کافی، جلد اول، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: بنیاد رسالت.

گیرو، پییر (۱۳۸۰)، نشانه‌شناسی، ترجمه‌ی محمد نبوی، تهران: آگاه.

لازار، ژیلبر (۱۳۸۹)، دستور زبان فارسی معاصر، ترجمه‌ی مهستی بحرینی، تهران: هرمس.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، مصحح محمدباقر محمودی و عبدالزهراء علوی، تهران: دار احیاء التراث العربی.

مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹)، شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی، قم: انتشارات پیک جلال.

محدث‌نوری، میرزا حسین (۱۳۹۰)، لؤلؤ و مرجان، تهران: فراهانی.

محتشم کاشانی، علی بن احمد (۱۳۸۵)، دیوان اشعار، تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند، تهران: انتشارات نگاه.

ملک‌زاده، مهدی (۱۳۵۸)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد اول، تهران: علمی.

میرزایی‌مهر، علی‌اصغر (۱۳۸۶)، نقاشی‌های بقاع متبرکه در ایران، تهران: فرهنگستان هنر.

نشریه، مدیر و عبدالکریمی، شهین (۱۳۹۵)، عناصر بصری رویدادهای زندگی پیامبر اسلام (ص) در نگاره‌های جامع التواریخ، مطالعات هنر اسلامی، ۱۲(۲۵)، ۳۷-۵۲.

نقاش، اسحاق (۱۹۹۸)، شیعه‌العراق، ترجمه عبدالله نعیمی، دمشق: دارالمدی للشکافه و النشر.

نورانیان، رضا؛ دلبری، شهربانو و باغستانی‌کوزه‌گری، محمد (۱۳۹۹)، تصویرآرایی پیامبر (ص) و امامان شیعی (ع) در نسخه‌ی خطی حبیب‌السیبر با محوریت بحارالانوار، نشریه مطالعات هنر اسلامی، ۱۶(۳۷)، ۳۳۶-۳۵۵/108419.355-336. doi: 10.22034/ias.2020.108419.355-336

نوروزی، نسترن و دادور، ابوالقاسم (۱۳۹۷)، تطبیق زیبایی‌شناختی دیوان‌نگاری‌های مذهبی (واقع‌ه کربلا) بقعه شاه زید و تکیه معاون‌الملک در تعامل با تعزیه، فصلنامه نگره، ۱۳(۴۸)، ۸۶-۱۰۳. doi: 10.22070/negareh.2019.885.103-86

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۷۵)، مستدرک‌الوسائل، بیروت: مؤسسة آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث.

والرشتاین، ایمانوئل (۱۳۷۷)، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی: ژئوپلیتیک و ژئوکالچر، ترجمه پیروز ایزدی. تهران: نی.

یوسفی‌غروی، محمدهادی (۱۳۸۰)، وقعه‌الطف بازسازی مقتل ابومخنف، تهران: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- Altheide, D. L & Snow, R. P. (1992). Media logic and culture: Reply to Oakes. *International Journal of Politics, Culture, and Society*, 465-472. DOI:<https://doi.org/10.1007/BF01423902>
- Asp, K. (1990). Medialization, media logic, and matriarchy. *Nordicom Review*, 11(2), 47-50. DOI:10.1515/9783110346831.49
- Axelsson, T. (2015). Vernacular Meaning Making: Examples of Narrative Impact in Fiction Film Questioning the “Banal” Notion in Mediatization of Religion Theory. *Nordicom Review* 36 (2), pp. 143-156. DOI:10.1515/NOR-2015-0022
- Berger, P. L and Luckmann, T. (1967). *The Social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge*, NY: Anchor Books
- Baudrillard, J. (1981). *For a Critique of the Political Economy of the Sign*, Mount: Telos Press.
- Boyd, J. W. (1980). *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices*. By Mary Boyce. Boston: Routledge & Kegan Paul, 1979. xxi, 252 pp. Maps, Glossary, Bibliography, Index. \$21.50. *The Journal of Asian Studies*, 40(1), 154–155. doi:10.2307/2055076
- Centinsaya, G. (2005). The Caliph and Mujtahids: Ottoman Policy Towards the Shiite Community in Iraq in the Late Nineteenth Century, *Middle Eastern Studies*, No. 41(4). 561-574. DOI:10.1080/00263200500155567
- Coffey, M. K. (2012). *How revolutionary art became official culture: Murals, museums, and the Mexican state*, Duke University Press.
- Carey, J. W. (1989). *Communication as Culture: Essays on Media and Society* (Winchester, MA. 1988). *Media, Myths and Narratives: Television and the Press*. Newbury Park, CA: Sage. Pp.173-191.
- Çetinsaya, G. (2016). II. Abdulhamid's Domestic Policy: A Periodization Attempt. *Ottoman Studies*, 47(47), 353-409. <https://doi.org/10.18589/oa.583218>
- Clark, L.S & Hoover, S. (1997). At the Intersection of Media, Culture, and Religion: A Bibliographic Essay. In S. Hoover and K. Lundby, eds., *Rethinking Media, Religion, and Culture*. (Vol. 17). Thousand Oaks, CA: Sage, pp. 15–36
- Daneshgar, M. & Saleh, W. (Eds.). (2016). *Islamic Studies Today: Essays in Honor of Andrew Rippin* (Vol. 11). Brill.
- Dayan, D and Katz, E. (1994). *Media Events, the Live Broadcasting of History*. Cambridge, Mass. Harvard University Press.
- Davie, G. (2007). *The Sociology of Religion*. London: SAGE.
- Espinosa, G & García, M. T. (Eds.). (2020). *Mexican American religions: Spirituality, activism, and culture*. Duke University Press.
- Fairclough, N. (2002). Language in New Capitalism. *Discourse & Society*, 13(2), 163-166. <https://doi.org/10.1177/0957926502013002404>
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Griffiths, M. (2024). *Media and democracy*. Australian Politics and Policy.
- Hepp, A; Hjarvard, S and Lundby, K. (2010). Mediatization – Empirical Perspectives: An Introduction to a Special Issue, *Communications* 35(3): 223-228. DOI:10.1515/comm.2010.012
- Hjelm, T. (2014). Religion, discourse and power: A contribution towards a critical sociology of religion. *Critical Sociology*, 40(6), 855-872. <https://doi.org/10.1177/0896920513477664>
- Hjelm, T. (2015). *Is God Back? Reconsidering the New Visibility of Religion*. London: Bloomsbury.
- Hjarvard, S. (2012a). Three Forms of Mediatized Religion: Changing the Public Face of Religion. *State Religion and Church in Russia and Worldwide* 38(2):41-75. DOI:10.22394/2073-7203-2020-38-2-41-75
- Hjarvard, S & Lövheim, M. (2012b). *Mediatization and Religion: Nordic Perspectives*, Nordicom, University of Gothenburg. ISBN: 9789186523442

-
- Hjarvard, S. (2011). The mediatisation of religion: Theorising religion, media and social change. *Culture and Religion*, 12(2), 119-135. DOI:10.1080/14755610.2011.579719
- Horsfield, P. (2013). The Ecology of Writing and the Shaping of Early Christianity. In: K. Lundby, ed., *Religion Across Media: From Early Antiquity to Late Modernity*. New York: Peter Lang, pp. 37-53
- Hoover, S. M. (2002). The Culturalist Turn in Scholarship on Media and Religion. *Journal of Media and Religion*, 1(1), 25–36. https://doi.org/10.1207/S15328415JMR0101_4
- Jasinski, J. (2001). *Sourcebook on rhetoric* (Vol. 4). Sage Publications.
- Kia, M. (1996). Pan Islamism in Late Nineteenth-Century Iran, *Middle Eastern Studies*, 32(1), pp. 30-52
DOI:10.1080/00263209608701090
- Kittler, F. (2010). *Optical media*. Polity.
- Kitch, C. (2003). Mourning in America: Ritual, Redemption, and Recovery in News Narrative after September 11, *Journalism Studies*, 4(2), pp. 213–224. DOI:10.1080/1461670032000074801
- Landau, J. M. (1995). *Pan-Turkism: From irredentism to cooperation*. Indiana University Press.
- Lied, L. (2012). Religious Change and Popular Culture: With a Nod to the Mediatization of Religion Debate. In: S. Hjarvard & M. Lövheim, eds., *Mediatization and Religion: Nordic Perspectives*. Göteborg: *Nordicom*, pp. 183–201.
- Lövheim, M and Axner, M. (2011a). Halal-Tv: Negotiating the Place of Religion in Swedish Public Discourse, *Nordic Journal of Religion and Society* 24(1): 57-74
Retrieved from <https://urn.kb.se/resolve?urn=urn:nbn:se:uu:diva-151615>
- Lövheim, M. (2011b). Mediatisation of Religion: A Critical Appraisal. *Culture and Religion* 12 (2), pp. 153–166. DOI:10.1080/14755610.2011.579738
- MacLellan, A. (2011). *The Secret of the Spear: The Mystery of the Spear of Longinus*. Souvenir Press.
- Özcan, A. (1997). *Pan-Islamism: The Ottoman Empire, Indian Muslims, and Britain (1877–1924)*. Ankara: Türkiye Diyanet Vakfı.
- Mazzoleni, G & Schulz, W. (1999). "Mediatization" of politics: A challenge for democracy?. *Political communication*, 16(3), 247-261. <https://doi.org/10.1080/105846099198613>
- Phillips, N and Hardy, C. (2002). *Discourse Analysis: Investigating Processes of Social Construction*. Sage University Papers Series on Qualitative Research Methods.
- Phillips, L and Jørgensen, M. W. (2002). *Discourse Analysis as Theory and Method*. London: SAGE
- Potter, J. (1996). *Representing Reality: Discourse, Rhetoric, and Social Construction*. London: SAGE.
- Potter, J and Wetherell, M. (1987). *Discourse and Social Psychology: Beyond Attitudes and Behaviour*. London: SAGE
- Richardson, J. E. (2007). *Analysing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis*. Basingstoke: Palgrave
- Schweinsberg, S, Darcy, S & Cheng, M. (2017). The agenda setting power of news media in framing the future role of tourism in protected areas. *Tourism Management*, 62, 241-252.
<https://doi.org/10.1016/j.tourman.2017.04.011>
- Smith, J. E & Piccard, G. (2005). *Secrets of the Holy Lance: The Spear of Destiny in History & Legend*. Adventures Unlimited Press.
- Thompson, J. B. (1995). *The Media and Modernity: A Social Theory of the Media*. Cambridge: Polity Press.
- Thompson, J. B. (1990). *Ideology and Modern Culture*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Wuthnow, R. (2011). Taking talk seriously: religious discourse as social practice. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 50(1): 1–21. <https://doi.org/10.1111/j.1468-5906.2010.01549.x>